

نبرد خلق

شماره ۳۰۴
دوره چهارم سال بیست و ششم
اول آبان ۱۳۸۹

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرمقاله

تصویر روشن تری از آرایش نیروها پس از شکل گیری جنبش اجتماعی

منصور امان

خیزش ۸۸، فاکتورهای مهم و روشنی را پیرامون چگونگی آرایش سیاسی در جامعه ایران، نیروهایی که آن را شکل داده اند و چشم انداز این رویارویی در دسترس گذاشت. مرکزی ترین برداشت از این مجموعه داده ها، قطب بندی جامعه به دو نیروی اصلی یعنی، حکومت و مخالفان آن بود. این نتیجه گیری، تصویر تازه ای از صفحه شطرنج سیاست و مهره های آن ارائه داد که در خانه سیاه آن، نقش نیروهای بینابینی "خودی" در حال محو شدن و قدرت حقیقی بدون عایق و فضای مانور در برابر اکثریت جامعه صف کشیده است.

بقیه در صفحه ۳
اطلاعیه سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران :



درس‌گ در گذشت ستاره درخشان هنر ایران،

بانو مرضیه
در صفحه ۲۰

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی
در صفحه ۱۶



سرکوب اعتراضهای صنفی به بهانه «فتنه اقتصادی»

زینت میرهاشمی

گزیده ای از مهمترین اعتراضهای کارگران و
مزدبگیران در مهر ماه ۱۳۸۹
در صفحه ۴

هدفمندی یارانه ها همچون فاجعه ای ملی

جعفر پویه
در صفحه ۸



مروری بر آنچه در عراق گذشت

آناهیتا اردوان
در صفحه ۱۴

مرضیه از دو منظر؛ زنی مقاوم و هنرمندی متعهد

آناهیتا اردوان
در صفحه ۱۳

یادداشت سیاسی

رکوردشکنی در وقاحت

مهدی سامع

...هدف سفر خامنه ای به قم نه حل و فصل اختلافات داخل آخوندهای شریک در قدرت است و نه تثبیت مرجعیت خود و یا گرفتن مجوز مرجعیت برای ولیعهداش. حرفهای خامنه ای بسیار صریح و روشن است. او می خواهد همه درک کنند که «آتش کشگ» دربار است. اگر بخورند ریش و سیبیل اشان چرب می شود و اگر نخورند ریشه کن می شوند...

در صفحه ۲

جهان در ایینه مرور

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از
جنگ سرد (۵)

لیلا جدیدی

سازماندهی و پیامدهای انتفاضه اول در فلسطین

در صفحه ۱۰



زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان
در صفحه ۱۵

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی....

رکورد شکنی در وقاحت

مهدی سامع

وقتی احمدی نژاد در توصیف قیام مردم ایران مرزهای وقاحت را در نوردید و جنبش مردم را «خس و خاشاک» نامید، به نظر می رسید که خامنه ای این رکورد شکنی را به گماشته اش روا داشته و ترجیح می دهد با «فتنه» نامیدن خیزش مردم در سکوی دوم قرار گیرد. اما سخنان «مقام معظم» و «مرجع» خود خوانده در قم نشان داد که آن تصور و ارزیابی اشتباه بوده و ولی فقیه منتظر زمان مناسب برای غلبه بر رکورد شکنی گماشته اش بوده تا ثابت کند که کرسی اول به طور انحصاری در اختیار او باید باشد. خامنه ای در پایگاه آیات عظام و حجج اسلام کارت برنده خود را بر زمین زد و جنبش میلیونی مردم را «میکروب» نامید و به ارادل و اوباش تحت امرش پیام روشنی داد تا هیچ تردیدی باقی نماند که در ولایت ظلم و جور و در رکورد داری وقاحت صاحب بلامنازع مدال طلا شخص ولی فقیه است. خامنه ای برای این قدرت نمایی، آگاهانه و به دو دلیل شهر قم را انتخاب کرد.

اول این که به همه آیات عظام و حوزه های مذهبی بفهماند که این شهر به شرطی می تواند نقش «واتیکان جهان اسلام» را بازی کند که خود را در چارچوب ام القرای جهان اسلام و زیر سیطره ولایت خامنه ای و تحت کنترل دربار ولی فقیه تعریف کند. هر کسی که در این کانون «شریعت سازی» نقشی بازی می کند، تنها پس از عبور از پل ولایت می تواند سهمی از وجوهات شرعیه ولی فقیه نصیب اش شود و در غیر این صورت به حساب اش با امت همیشه در صحنه و به وسیله خنجر و چماق رسیدگی می شود. آقایان صاعی و دستتیب به شکل خشونت آمیز از سهمیه بندی ولی فقیه برخوردار شده اند. این سهمیه بندی البته فقط به شهر قم محدود نمی شود. سراسر ایران، عراق، لبنان، افغانستان، فلسطین و حتی اروپا و آمریکا در حوزه بذل و بخشش یا شمشیر و خنجر ولی فقیه قرار دارند. سهم مردم و

آزادخواهان ایران گلوله، زندان، شلاق، کهریزک، طناب دار و البته فقر و فلاکت است. برای آقای رفسنجانی تهدید به از دست دادن موقعیت سیاسی اقتصادی در نظر گرفته شده است. چماق دستگیری سهم آقایان موسوی و کروبی است. مُتقدان محافظه کار گماشته دربار هم به فراخور اوضاع و احوال بی نصیب نمی ماندند. در مقابل به شیفتگان ولی فقیه، مریدان مرجع خود خوانده و همه کسانی که تسلیم شرایط خامنه ای شوند با بذل و بخشش بی حساب و کتاب خوش آمد گفته می شود. در این رابطه هیچ حد و مرزی هم وجود ندارد. آقایان سید حسن نصرالله و نوری المالکی بیشتر دریافت می کنند، چون وظیفه آنها مستلزم پرداخت هزینه بیشتری است و

سرنوشت ساز هر کس وضع خود را روشن کند. هرچند آیت الله منتظری اکنون زنده نیست، اما در مورد دیدگاههای او علیه ولایت و مرجعیت خامنه ای در حوزه های قم به طور علنی بحث صورت می گیرد. این برای یک حاکم ظالم غیر قابل قبول است که عده ای در سایه ولایت اش آرمیده باشند و مثل موربانان پایه های حاکمیت را سست کنند. طی سال گذشته ولی فقیه نظام با هر کوششی برای خدایی کردن جایگاه خود بیشتر زمینی شد. عکسهایش لگدکوب زنان و مردانی شد که برای آزادی دست به قیام زدند. فتوای خامنه ای در مورد جایگاه ولی فقیه و التزام به آن به سخره گرفته شد و آبی برای ولی فقیه گرم نکرد. تضاد در درون هرم قدرت و

آسمانی که این هر دو بر اساس اعتقاد مسلمانان از مهمترین نعمتهای خدا است، در مقابل آن صفر است. این حرف خامنه ای از زبان مصباح یزدی هست. این پیام ولی فقیه به همه طرفهای مورد خطاب است. آن گروه از نظریه پردازان اسلامی که در مقابل یک رویا پردازی سلمان رشدی یقه دراندند و کف بر دهان دست به شورش زدند و حکم جبارانه خمینی را تأیید کردند، لایند نمی دانستند که روزی حاکم ام القرا خود را چنان نعمتی می داند که همه نعمتهای دیگر خدا در مقابل اش صفر است. اگر این دو دلیل واقعی باشد که هست، می توان نتیجه گرفت که هدف سفر خامنه ای به قم نه حل و فصل اختلافات داخل آخوندهای شریک در

هدف سفر خامنه ای به قم نه حل و فصل اختلافات داخل آخوندهای شریک در قدرت است و نه تثبیت مرجعیت خود و یا گرفتن مجوز مرجعیت برای ولیعهداش. حرفهای خامنه ای بسیار صریح و روشن است. او می خواهد همه درک کنند که «آش کشگ» دربار است. اگر بخورند ریش و سبیل اشان چرب می شود و اگر نخورند ریشه کن می شوند.

قدرت است و نه تثبیت مرجعیت خود و یا گرفتن مجوز مرجعیت برای ولیعهداش. حرفهای خامنه ای بسیار صریح و روشن است. او می خواهد همه درک کنند که «آش کشگ» دربار است. اگر بخورند ریش و سبیل اشان چرب می شود و اگر نخورند ریشه کن می شوند. مردم اما حرف خود را دارند و حکومت دینی و ولایت فقیه را بر نمی تابند و اشتباه محاسبه ولی فقیه در این است که فکر می کند می تواند با زور و زر ولایتش را واکنسینه کند. طی یک سال گذشته ولی فقیه به جز سرکوب دمنشانه هیچ کار دیگری نکرده است. همه چالشهای ولایتش به جای خود باقی مانده و مسیر تشدید روزافزون را طی می کند. لاف و گزاف و توپ و تشر خامنه ای، واکنس مناسبی برای روزهای سیاهی که رژیم در پیش دارد، نیست.

ثروت روز به روز تشدید شد. برای خامنه ای راهی جز ادامه سیاست بی دنده و ترمز باقی نمانده است. قبل از رفتن خامنه ای به قم یکی از مزدوران اش استقبال از خامنه ای را همچون استقبال از امام زمان دانست و ابوجهل زمان و یک دایناسور شهره عام و خاص فرمود که «بزرگی تمامی نعمتهای خداوند در قبال ولایت فقیه در حکم صفر است». برای درک این دُرُفشانی مصباح یزدی نیاز به دانش مذهبی زیادی نیست. همه ما در کتابهای درسی خوانده ایم که بر اساس اعتقادات مسلمانان همه هستی و منجمله ظهور محمد بن عبدالله به عنوان آخرین فرستاده خدا و نزول قرآن به عنوان کتاب آسمانی از نعمتهای بزرگ خدا است. اکنون مصباح یزدی زبان گویای ولی فقیه می شود و در یک اظهار نظر بی دنده و ترمز جایگاهی برای خامنه ای تعریف می کند که حتی رسول خدا و کتاب

برای آن خانمها و آقایانی که با عنوان محقق و کارشناس در یک سمینار تبلیغاتی برای یک کوتوله سیاسی ابراز احساسات می کنند، پذیرایی کامل چند روزه اختصاص داده می شود. خامنه ای با تهدید و تطمیع به آن دسته از سرکردگان حوزه های مذهبی قم که به بهانه بی طرفی ولایت او را به حساب نمی آورند هشدار می دهد که سرنوشت حوزه و ولایت به هم گره خورده است. دلیل دوم برای رکورد شکنی و قدرتمایی در قم، انتقام گرفتن از انبوه مردمی است که در مراسم خاکسپاری آیت الله منتظری فریاد مرگ بر دیکتاتور سر دادند. خامنه ای که روز ۲۳ خرداد سال قبل توانست اتوریته اش را به رقبا بقولاند و شمشیر کشی او در روز ۲۹ خرداد سال قبل با قیام ۳۰ خرداد پاسخ داده شد، به دنبال فرصتی بود تا جنبش بیشماران را «میکروب» بنامد تا در این نبرد

سرمقاله

تصویر روشن تری از آرایش نیروها پس از شکل گیری جنبش اجتماعی

منصور امان

مصلحت گرایان و اصلاح طلبان در حالی که زیر فشار رو به فزونی بدنه ی خود قرار دارند، قادر نشده اند با استراتژی خود حتی یک امتیاز جزئی، یک عقب نشینی موقتی چه به سود خود و چه برای جنبش به دست بیاورند. در این حالت، زُمنختی ناهمگونیهای آنچه که از آن دفاع می کنند با آنچه که در عمل به آن تن می دهند، بیش از هر زمان دیگری برجسته می گردد. این یک افول سیاسی صرف نیست بلکه سقوط اخلاقی و فرهنگی نیرویی است که بدون راه حل و بدون اعتماد به نفس، به چشم نزدیکان خود خاک می باشد و ظرفیت دارد با همه گزافه ها پیرامون اصلاحات در چارچوب نظام و ایجاد "جامعه مدنی"، آلت دست پروژه های امنیتی رقبایش گردد. مصلحت گرایان و اصلاح طلبان، فرصت شکست افتخار آمیز را از دست دادند و اینک ناچارند زیر فشار پوتینی که بر پشت تعظیم کرده آنها فرود می آید، خوار و بی رمق به خاک بیفتند.

برآمد

تا جایی که به جنبش اجتماعی برمی گردد، تکلیف و جایگاه نیروهای بینابینی روشن است. خیزشهای سال گذشته بدون دعوت این نیروها و فراتر از آن، با وجود تمام تلاشهای آنها برای جلوگیری، گرد کردن و خرابکاری در آن شکل گرفت و به پیش رفت. از این رو، ناکام ماندن راهکار آنان برای به سازش رسیدن با باند ولی فقیه، موید تحول تازه ای در آرایش سیاسی جامعه بر پایه صف آرایی دو قطب اکثریت (مردم) و اقلیت (حکومت) نیست.

رویدادهای ماه گذشته از نظر چگونگی تأثیری که بر راه حل‌هایی که از ایستگاه چارچوبهای موجود به حرکت درمی آید، توجه پذیر می باشد. از مهمترین گرایشهای موجود در این زمینه می توان مدافعان "احیای ظرفیتهای مغفول قانون اساسی" تا طرفداران تجدید نظر کامل در آن نام برد.

برای دریافت پیامی که ممنوعیت دو جریان اصلاح طلب و مُصدَره دانشگاه آزاد از جمله برای گرایشهای یاد شده در بالا دارد، نیازی به تجزیه و تحلیل دامنه دار نیست؛ راه "تعبیر" در چارچوب "نظام"، حتی آن دسته تغییراتی که آقایان رفسنجانی و خاتمی طلب می کنند، مسدود است و سازش حتی بر سر بی ضرر ترین امور به حال منافع و قدرت حاکمان دیگر امکان ندارد.

نمایش گذاشتن فاصله خود از آن زده است. با این حال، چنین می نماید که رویکرد آقای خاتمی و طیف راست اصلاح طلبان حکومتی به نتایج کاملاً واژگونه ای منتهی شده باشد. تلاش آنها برای تنظیم حرکات خود با ریتم چوب رهبری ارکستر "نظام"، اشتباهی رقبایشان برای تحمیل یک صورت بندی جدید در جناح "اصلاح طلب" و تقسیم آن به دو طیف "خودی" و "غیرخودی" را برانگیخته است. شاید لازم به گفتن نباشد که مهم ترین ابزار حکومت برای تحقق این هدف، سرکوب و در شکل جزئی تر، ممنوعیت، دستگیری و محرومیت طیف "غیرخودی" در تقسیم بندی جدید است.

سیاست مزبور که به طور آشکار یک پروژه امنیتی و نه یک طرح سیاسی است، فقط به دلیل کم هزینه بودن در دستور کار باند ولی فقیه قرار نگرفته است. مهمتر از این زاویه، بدنه اجتماعی "اصلاح طلبان" در تیررس نگاه قرار دارد؛ نیروهایی که به شتاب یا به جنبش اجتماعی پیوستند و یا به سمت آقایان موسوی و کروبی چرخش پیدا کرده اند. انجماد استراتژی باند "اصلاح طلب" با وجود تغییرات عمیق در رابطه باند حاکم به شرکای پیشین، یک دلیل پایه ای برای شکل گیری ریزش در جریانی است که تمام حسابهای برنامه ای آن با چشمداشت به سخاوت رقبایش باز شده است.

شکست استراتژی امتیاز گیری از اصلاح طلبان تا کارگزاران

نه آقای رفسنجانی و باند مصلحت گرای او و نه آقای خاتمی و باند اصلاح طلب او نتوانسته اند هیچ پاسخ قانع کننده ای به چالش‌هایی که جامعه ایران با آن روبرو است، بدهند. آنها در همان حال که موج خیزشهای گسترده توده ای، حکومت را به همراه پوششهای ظاهری و حقیقی اش زیر ضرب گرفته بود، همچنان روی خاکریز آقای خامنه ای و لشکریانش پرچم حفظ "نظام" (که هیچکس کمتر از باند نظامی - امنیتی ولی فقیه پشت این نام پنهان نگردیده) را تکان می دادند. از این رو، جناح شکست خورده با درجا زدن در طرحها و راهکارهای گذشته ی خود - که شاید در چارچوب زمانی گذشته می توانست منافع آن را تأمین کند - گزینۀ دیگری جز فاصله گیری از جنبش اجتماعی و جستجوی راه حل در اردوی دشمنانش ندارد.

دریافت مانورهایش بدون ثمر مانده و تابلوی او به سمت تقسیم خانگی قدرت فقط بِن بست را نشان می دهد، ناچار گردید دست به ابتکار مستقل بزند و بخت خویش را به جای بیت ولایت در محاکم شرعی و آیات و روایت بجوید. اعلام "غیر شرعی و غیر قانونی" بودن وقف دانشگاه آزاد از سوی "رهبر"، فقط فرجام این تاکتیک مُشخص آقای رفسنجانی نیست بلکه، فرجام استراتژی ای است که ایده ی "وقف" از متن آن بیرون آمده است.

از همان هنگامی که قصد آیت الله خامنه ای برای حذف شرکای سابق و یکدست سازی قدرت آشکار گردید، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام راهکار خود را بر تمرکز بر حلقه ضعیف قدرت یعنی گماشته مُنتخب وی و دولت او بنا نهاد. در پندار آقای رفسنجانی فشاری که جنبش اعتراضی بعد از نمایش انتخابات به وجود آورده بود، زمینه عقب نشینی آقای خامنه ای را فراهم می آورد تا آنگاه دور جدیدی از چانه زنی بر سر توزیع قدرت و بازگشت به ترکیب پیشین دستگاه اداره کننده آن آغاز شود. در عمل اما به دلیل آنکه یار غار او نه می خواست و نه می توانست از پروژه شکست خورده اش عقب بنشیند و از سوی دیگر، آقای رفسنجانی نیز از ترس جنبش اجتماعی حاضر به استفاده موثر از ابزارهای فشاری که در دست داشت نبود، استراتژی وی به دستور کار یک شکست از قبل پیش بینی شده فرو کاست. راهکار دو سویه ی او در انتها فقط یک زاویه بیشتر نداشت و آن تلاش دوجندان ولی بی نتیجه برای جلب اعتماد "رهبر" بود.

انحلال مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی

تحول دیگر، اعلام انحلال دو تشکّل عمده "اصلاح طلب"، جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است. دو جریان مزبور در حالی که زیر گپوتین دستگاه امنیتی - قضایی کشانده می شوند که رهبر اصلاح طلبان حکومتی، حُجت الاسلام محمد خاتمی از هر فرصتی برای ارسال این پیام به باند ولایت سود می جوید که حاضر به بازی با قواعدی است که آنها تعیین کرده اند. به موازات این، راست "اصلاح طلب" پس از فروکش کردن اعتراضهای گسترده خیابانی، دست به تلاش مداوم در جهت ترسیم مرزهای منفع دار با جنبش اجتماعی و به

بقیه از صفحه ۱
تمرکز تلاشها و اراده های فعال موجود در جامعه برای تعیین و شکل دهی روندهای کلان سیاسی و نظم اجتماعی، یک محصول ناگزیر ناهمگونیها در قدرت سیاسی از یک طرف و رابطه ی جامعه با آن از طرف دیگر است. این موقعیت را هُشدارهای "دلسوزان نظام" به حکومت تغییر نمی دهد، همچنان که تمام موعظه ها در باره "خُشونت" به عنوان برآمد طبیعی شرایط دو قطبی نشنیده باقی می ماند. یک نگاه دقیق تر به کنجی که این صداها از آن بلند تر به گوش می رسد، چنین نشان می دهد که گرایشهای میانه و اغلب دو زیستی منشا آن هستند. هر گاه در نظر گرفته شود که نیروهای مزبور، باندگان اصلی آرایش جدید سیاسی در دوران بحران انقلابی هستند، مقاومت آنها شگفت آور به چشم نخواهد آمد. با این وجود، پروسه تحول بدون دخالت دادن تمایلات ذهنی این نیروها که خود تحت قانونمندیهای شرایط ذکر شده در عمل از هر گونه تأثیری گذاری فعال در آن محروم هستند، به جلو رانده می شود. دو رویداد توجه پذیر در ماه گذشته (مهر)، نه فقط این ارزیابی بلکه، نیروی مُحرکه آن یعنی قطب بندی نیروهای فعال در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور در دو مرکز اصلی را تأیید می کند. این رویدادها که در مرکز آن نیروهای میانه "خودی" قرار دارند، مُستقل از آنکه موقعیت حقیقی آنها در کشاکشهای موجود را بازگو می کند، همزمان ارزش عملی راهکارهایی که آنها برای برون رفت از بحران کنونی پیشنهاد می کنند را نیز آتیکت می زند.

لغو وقف دانشگاه آزاد

نخستین تحول، شکست تلاشهای آقای رفسنجانی و باند کارگزاران در جلوگیری از مُصدَره یک قانون اقتصادی مهم خود، دانشگاه آزاد است. تاکتیک "وقف" این موسسه که براساس گفته های مسوولانش ارزش آن بیش از ۲۵ میلیارد دلار اعلام شده است، می توانست نشانه ای از تغییر مدار حل و فصل اختلافهای آقای رفسنجانی با باند ولی فقیه به سمت پایین باشد. چه، هر گاه او قادر به دستیابی به تفاهم با آیت الله خامنه ای می بود یا آن را در چشم انداز می دید، نیازی به دستیازی به راه حل وقف و کوشش برای دور زدن رقبای به وسیله این ترفند نداشت. رییس مجلس خبرگان تنها پس از آنکه

هفت ماه است هیچگونه حقوق و مزایایی از کارخانه دریافت نکرده‌اند.

*به گزارش ایلنا بیش از ۶۰۰ معلم خرید خدمتی روز یکشنبه ۴ مهر در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. این معلمان در اعتراض به سیاستهای جدید وزارت آموزش و پرورش در بحث استعلاام و مدیریت نیروی انسانی در آموزش و پرورش اقدام به تجمع کردند.

اکثر این معلمان سه تا چهار سال سابقه برای آموزش و پرورش و سیستم آموزشی دارند و با مدارک بالا همچون لیسانس و فوق لیسانس تدریس می کنند.

*روز یکشنبه ۴ مهر کارگران کارخانه کرپ ناز کرمانشاه، پس از تجمع در مقابل اداره کار و امور اجتماعی و استانداری، برای چندمین بار مقابل ساختمان مرکزی بانک ملت کرمانشاه تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، کارگران در تجمع خود، خواهان اجرایی شدن مصوبات جلسه استاندارد و مسئولان این کارخانه از سوی بانک ملت کرمانشاه که سیاست گذار و سهام دار اصلی این کارخانه است، شدند.

*روز یکشنبه ۴ مهر ۲۰۰ تن از کارگران معترض کارخانه ریسندگی نازنخ قزوین در مقابل این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر این کارگران در مرداد ماه امسال نیز برای پیگیری حقوق معوقه خود به مدت ۴ روز در تهران مقابل مجلس تجمع کرده بودند و خواهان حقوق معوقه خود و همچنین تعیین تکلیف وضعیت شغلی خود شده بودند.

*روز یکشنبه ۴ مهر کارگران کارخانه چینی البرز قزوین برای پیگیری مطالبات و حقوقهای خود مقابل این شرکت تجمع کردند. به گزارش آسمان دلی نیوز، مسئول این کارخانه خواهر زاده واعظ طبعی امام جمعه مشهد است که علاوه بر کارخانه های مشهد چندین کارخانه دیگر نیز در شهرهای مختلف دارد اما حقوق کارگران رانمی دهد.

*حدود سه هزار و پانصد کارگر لاستیک بارز از ظهر روز یکشنبه ۴ مهر در اعتراض به شرایط اسفبار کارشان و عدم پرداخت اضافه کاری روتین خود که ماهیانه به آنان پرداخت می شد به طور یکپارچه ای دست از کار کشیدند و تا صبح روز چهارشنبه هفتم مهر ماه به اعتصاب ادامه دادند. بقیه در صفحه ۵

سرکوب اعتراضهای صنفی به بهانه «فتنه اقتصادی»

زینت میرهائمی

توطئه گر و دشمن و همه مخالفتها را «فتنه» می خواند و به قول کارشناسانش اتاق فکرشان مرتب در حال خنثی کردن «توطئه» ها هستند. در این شرایط فرمانده نیروی انتظامی به دروغ همچون همکیشان، درجه امنیت را در بالاترین مرحله می داند. وی می گوید: «جمهوری اسلامی همچون جزیره ای امن در میان امواج سهمگین تهدیدات و آسیبها زندگی می کند.» (خبرگزاری فارس شنبه ۱۷ مهر) در حالی که شرایط بحرانی جامعه به ویژه به دنبال حذف یارانه ها، از فقر بیشتر و در نتیجه شروع اعتراضهای صنفی خبر می دهد و حتی کارگران اقتصادی رژیم از «شورشهای اجتماعی» حرف می زنند، پایوران رژیم پیشاپیش این حرکتهای اعتراضی را «فتنه» نامیده و شرایط را برای به کارگیری خسونت و سرکوب آنها آماده می کنند.

رئیس پلیس رژیم «فتنه امروز» را تلاش کسانی دانست که پس از «اجرای طرحهای تحول اقتصادی دولت»، می خواهند «اعتصاب» کنند. وی آنها را به سرکوبی تهدید کرد. در آستانه اجرایی شدن طرح حذف یارانه ها که پیشاپیش بر بهای کالاهای حاملهای انرژی سیر صعودی گذاشته است و مردم را دچار شوک نموده است، عدم پرداخت حقوق کارگران و مزدبگیران، ناامنی کار و تعطیلی واحدهای تولیدی در پیامد این طرح، همراه با اعتراضهای کارگری بوده است.

در زیر به گزیده ای از اعتراضهای کارگری در ماه گذشته اشاره می کنیم.

برخی از مهمترین

حرکت‌های اعتراضی

کارگران و مزدبگیران در

مهر ۱۳۸۹

*کارگران کارخانه ریسندگی خاور رشت صبح روز شنبه ۳ مهر با تجمع مقابل استانداری گیلان خواستار دریافت حقوق معوقه خود از مسئولان شدند.

به گزارش فارس، یکی از کارگران این کارخانه با اشاره به اینکه مدت هفت ماه است حقوق دریافت نکرده است، اظهار داشت: بالغ بر ۳۰۰ نفر از کارگران مرد و زن کارخانه خاور مدت

چگونه به این هدف برسیم.» (منبع:جام جم دوشنبه ۱۵ شهریور) این عضو شورای عالی اشتغال با تاکید بر نرخ بیکاری در عدد ۱۴٫۶ می گوید: «با روند فعلی اگر بتوانیم نرخ بیکاری را ثابت نگه داریم نیز خوشبینانه است.» (سایت آفتاب یکشنبه ۱۸ مهر) این افزایش نرخ بیکاری زنان جویای کار را بیش از همیشه در بر می گیرد.

دنیای اقتصاد در سز مقاله روز یکشنبه ۱۱ مهر می نویسد: «آمار نرخ بیکاری را با میزان ایجاد اشتغال در کشور باید سنجید تا واقعیتها نمایان خواهد شد چنان که در سال ۸۶ حدود ۲۸۹ هزار شغل ایجاد شده و در سال ۸۷ نه تنها شغلی ایجاد نشده، بلکه ۵۹۲ هزار شغل از دست رفته و در نهایت در سال ۸۸ معادل ۴۹۱ هزار شغل ایجاد شده است...جالبترین نکته مربوط به سال ۸۷ است...همزمان با کاهش نرخ بیکاری به پایین ترین سطح، بازار کار ایران یکی از بحرانیترین سالها را تجربه کرد؛ چرا که در سال ۸۷، نه تنها شغلی در اقتصاد ایران ایجاد نشده، بلکه ۵۹۲ هزار شغل از دست رفته است!»

بر اساس گزارش ۵ مهر صدای آلمان، نرخ بیکاری زنان بین سن ۱۵ تا ۲۴ ساله در بهار سال جاری، ۴۶ درصد بوده است. بر اساس گفته همین منبع «یک میلیون و ۲۳۱ هزار زن ایرانی در این فصل در جستجوی کار بوده اند.» این منبع نرخ غیر رسمی بیکاری زنان را تا ۶۵ درصد اعلام می کند.

جنبش اعتراضی و هراس رژیم
بحرانی شدن بازار ارز و سقوط بی سابقه ارزش ریال در ماه گذشته انعکاس بحران اقتصادی و آشفتنگی سیاستهای اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی و پیامد تحریمهای بین المللی و محدودیت مرادات بانک مرکزی با بانکهای اروپایی و برخی بانکهای آسیایی است. فرمانده نیروی انتظامی، احمدی مقدم ماجرای کمبود ارز در بازار را همچون مشکلات دیگر به غربیها نسبت داد و آن را «ضرب آهنگ فتنه اقتصادی» دانست. وی ادعا کرد که «دشمن با جمع آوری ارز از بازار داخلی می خواست به سیستم اقتصادی ضربه وارد کند.»

سخن پراکنی اسماعیل احمدی مقدم در نماز جمعه ۱۶ مهر، نشان از درهمریختگی سیاستهای رژیمی است که برای حفظ تعادلش در برابر زمینی که زیر پایش می لرزد به هر ریسمانی متوسل می شود. این رژیم همه را

قدرت گیری بیشتر دولت پاسداران در مجادله با مجلس

روند مجادله دولت با مجلس بر سر اعمال قدرت بر منابع عمومی کشور، با تکیه بر حمایتهای ولی فقیه سرانجام به نفع دولت احمدی شد. بر اساس خبر ایلنا ۲۵ مهر، «با فشارهای دولت، مجلس ارگان نظارتی خود را از برنامه پنجم حذف کرد.»

بر اساس قوانین جمهوری اسلامی، «دیوان محاسبات کشور» که زیر نظر مجلس کار می کند ارگانی است که بر کلیه حسابهای وزارتخانه ها، موسسات، شرکتها دولتی و سایر نهادهایی که از بودجه کل کشور استفاده می کردند، نظارت دارد. این نظارت شامل رسیدگی و حسابرسی هزینه های این نهادها است. ماجرای مفقود شدن پول حاصل از فروش نفت یکی از چالشهای این نهاد با دولت بود. موضوع «نظارت» این نهاد حتما در شکل فرمایشی آن سبب بگومگوهای زیاد بین مجلس و دولت شده بود تا جایی که احمدی نژاد شخص خود را بالاترین نهاد و بالاتر از قوه مقننه دانست. برای خاتمه دادن به این مشاجره و هموار کردن نیت دولت نظامی - امنیتی، «کمیته حل اختلاف مجلس و دولت» موافقت کرد که نقش «دیوان محاسبات مجلس» را از لایحه برنامه پنجم توسعه حذف کند و نقش این نهاد را به کمیسیونهای بسپارد که زیر نفوذ دولت خواهد بود. بدین ترتیب سپاه پاسداران برای چپاول بیشتر بودجه عمومی کشور، خود را از دردها و فضولیهای شرکایش رها کرد تا جایی که قانون خود نظام را هم زیر پا گذاشت.

افزایش نرخ بیکاری

در تابستان امسال پایوران رژیم با ادعاهای پوچ صحبت از رشد اشتغالی و پایین آوردن نرخ بیکاری نسبت به سال گذشته کردند اما نرخ بیکاری همچنان سیر صعودی دارد و طرحهای اشتغالی مانند طرح زودبازده بار بحران بیکاری را کاهش نداده است.

ولی الله داوود آبادی عضو شورای عالی اشتغال، در گفتگویی با خبرگزاری حکومتی مهر، اعتراف می کند که تا کنون «ساز و کار مشخصی» برای دستیابی به تصمیم شورای عالی اشتغال برای تحقق یک و یک دهم میلیون فرصت شغلی تعریف نشده است. وی می گوید: «این موضوع جای نگرانی دارد، چون مشخص نیست در چند ماه باقیمانده از سال قرار است

برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مهر ۱۳۸۹

بقیه از صفحه ۴

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، ۹۰ درصد کارگران این کارخانه با قرارداد موقت یکماهه و بقیه با قرار داد موقت یکساله مشغول به کار هستند. کارخانه لاستیک البرز روزانه ۲۴۰ تن لاستیک تولید می کند و سود خالص آن در سال گذشته مبلغ ۴۰ میلیارد تومان بوده است.

*کارگران کارخانه روغن نباتی پارس قو (واقع در تهران) در اعتراض به عملکرد مدیریت این شرکت و پرداخت حقوق کارگران از محل فروش املاک شرکت قو روز سه شنبه ۶ مهر دست از کار کشیدند.

به گزارش ایلنا به نقل از یکی از کارگران، این شرکت از نظر مالی وضعیت خوبی ندارد و با ۲۰ تا ۳۰ درصد ظرفیت تولیدی کار می کند. این کارخانه زمانی بیش از ۱۷۰۰ کارگر داشت که در حال حاضر تعداد آنها به حدود ۴۲۰ کارگر کاهش پیدا کرده که ۳۷۵ نفر از آنان رسمی و ۷۵ نفر دیگر قراردادی هستند. مالک این شرکت بنیاد شهید است.

*روز سه شنبه ۶ مهر کارگران کارخانه کنف کار (ایران کنف) در مقابل استانداری گیلان واقع در خیابان معلم رشت تجمع کردند. به گزارش فعالان ضد سرمایه داری گیلان، کارگران پس از گفتگو با نگرهبانی سه نماینده از بین خود انتخاب کردند و نمایندگان خود را به داخل فرستادند تا با مسئولان استانداری در مورد شرایط خود صحبت کنند. پس از یک ساعت سرگردانی به آنها گفتند باید سلسله مراتب رعایت کنند و کارگران نماینده را به خارج از ساختمان استانداری هدایت کردند. کارگران درخواست ملاقات با استاندار و یا نماینده وی را کردند که در جواب به آنان گفتند الان ظهر و وقت نماز است. کارگران پس از سرگردانی کم کم پراکنده شدند و دست از پا درازتر محل را ترک کردند.

در حال حاضر بیش از ۱۲۰ کارگر کنف کار در طول ۶ ماهه سال ۱۳۸۹ فقط ۴۰۰ هزار تومان آن هم در چند بار و هر بار ۱۰۰ یا ۱۵۰ هزار تومان دریافت کرده اند، در حالی که مطالبات هر یک از کارگران بابت دستمزدهای معوقه بالغ بر ۷ میلیون تومان است.

*طبق خبر دریافتی توسط انجمن برق و فلزکار کرمانشاه، روز پنجشنبه ۹ مهر حدود ۱۰۰ تن از کارگران شرکت پرهون اعتصاب کرده و به مدت سه

روز اعتصاب خود را ادامه دادند. کارگران شرکت پرهون طی هفته های گذشته چندین بار برای گرفتن حقوقهای معوقه خود از جمله حقوق خرداد و تیر اعتصاب کرده بودند که در نتیجه توانستند ضمن ناچار کردن کارفرما مبنی دادن وعده پرداخت حقوق تیر ماه در تاریخ ۳۰ شهریور حقوق خرداد ماه خود را دریافت کنند.

*کارکنان دانشگاه فردوسی مشهد روز یکشنبه ۱۱ مهر در مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه تجمع کردند و خواستار برقراری عدالت در پرداخت حقوق و مزایا میان کارکنان و کادر هیات علمی دانشگاه فردوسی شدند. به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، یکی از کارکنان بخش تربیت بدنی دانشگاه فردوسی با اشاره به مصوبه وزارت علوم در ارتباط با افزایش حقوق کارکنان و کادر هیات علمی اظهار داشت؛ براساس مصوبه وزارتخانه مقرر شد که حقوق اعضای هیات علمی در حدود ۷۰۰ هزار تومان و کارکنان و نیروی اداری در حدود ۲۰۰ هزار تومان افزایش یابد که بر این اساس حقوق اعضای هیات علمی افزایش یافت، ولی خبر از افزایش حقوق کارکنان نشد.

*بنا بر گزارشهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران کیان تایر از صبح روز شنبه ۱۰ مهر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود و سایر مشکلات موجود در کارخانه دست به اعتصاب زدند اما مدیریت کارخانه هیچگونه توجهی به خواستههای آنان نکرد و همین امر باعث شد کارگران ضمن تداوم اعتصاب خود، از صبح روز یکشنبه ۱۱ مهر دست به تجمع در مقابل انتظامات کارخانه بزنند و در ادامه، ظهر همین روز از خوردن غذای کارخانه خودداری کرده و اعتصاب غذا کردند.

بدنبال این اعتصاب که منجر به پورش کارگران به مدیران کارخانه و اخراج آنان از محل کارخانه شد این کارگران روز دوشنبه ۱۲ مهر با برگزاری یک مجمع عمومی نماینده های خود را به شورای تامین استان جهت مذاکره اعزام کردند.

روز چهارشنبه ۱۴ مهر ۵۰ درصد دستمزد کارگران کیان تایر به حسابهای آنان واریز شد و این کارگران همزمان اقدام به برگزاری یک مجمع عمومی بزرگ کردند.

*روز چهارشنبه ۱۴ مهر رانندگان مسکن مهر سندانج واقع در ویلا شهر برای گرفتن مطالباتشان دست به اعتصاب زدند.

به گزارش کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری، پرداخت حقوق معوقه ۴ ماهه، لغو کار اجباری و شیفت اجباری شبانه که کارفرما برای آن مزد

شیفت روزانه را پرداخت می کند از خواست این رانندگان است.

*جمعی از از ناچیان غریق طرحهای سالم سازی دریا در اعتراض به عدم دریافت حقوق معوقه خود در مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

شمال نیوز در روز جمعه ۱۶ مهر گزارش داد که؛ با وجود ورود ۷ میلیون گردشگر به سواحل گیلان ناچیان موفق شدند جان صدها شناگر را از کام مرگ نجات دهند و کارنامه درخشانی داشته باشند با این حال با پایان طرح با مشکل معیشتی روبرو شده و دو ماه حقوق خود را دریافت نکرده اند.

*روز شنبه ۱۷ مهر ماه شماری از کارگران پروژه ساخت نیروگاه سیکل ترکیبی یزد در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه دستمزدهای معوقه خود دست به اعتصاب زدند.

به گزارش آژانس ایران خبر، کارگران معترض در جریان اعتصاب خود، برق قسمت ساخت «بویلر» را قطع کردند و از ادامه کار ممانعت به عمل آوردند. در ادامه این اعتصاب ماموران حراست نیروگاه قصد متفرق ساختن کارگران را داشتند، اما کارگران ضمن مقاومت در برابر آنان بر ادامه اعتصاب تاکید نمودند.

*روز یکشنبه ۱۸ مهرماه کارگران کارخانه کاغذسازی کارون در اعتراض به برخی کمبودهای صنفی خود در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش ایسنا، در این تجمع اعتراضی افراد معترض با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار رسیدگی به مطالبات و خواستههای خود شدند. روی برخی از پلاکاردهای آنها نوشته شده بود: «ایا شما به عنوان امانتدار مردم وضعیت ما را درک می کنید؟»، «هیچ مقام مسئولی در استان در جهت حل مشکل ما اقدامی انجام نمی دهد، آیا افسردگی، فقر و بیماری خانواده های ما برای شما اهمیتی دارد؟ مگر ما ایرانی نیستیم.»

*به گزارش خبرگزاری هرانا روز یکشنبه ۱۸ مهرماه تعدادی از معلمان خرید خدمتی با هدف پیگیری مطالبات صنفی خود در مقابل مجلس رژیم در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. معلمان شرکت کننده در این تجمع به نحوه همکاری خود با وزارت آموزش و پرورش رژیم معترض و خواستار استخدام رسمی هستند. پیش از این نیز در هفته اول بازگشایی مدارس بیش از ۵۰۰ معلم حق التدریسی، خرید خدمتی و شرکتی، با خواستی مشابه در مقابل مجلس رژیم اقدام به برپایی تجمع اعتراضی نموده بودند.

*روز یکشنبه ۱۸ مهر شماری از کارگران البرز بافت و شرکت فرنج قزوین در مقابل ساختمان ریاست جمهوری تجمعی اعتراضی برگزار کردند. به گزارش آژانس ایران خبر — این کارگران از اینکه حدود یک سال حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند معترض هستند. این کارگران که بارها در شهر قزوین با تجمع در مقابل استانداری و مقابل کارخانه اعتراض خود را اعلام کرده بودند چون جوابی نگرفته اند به تهران آمده و در مقابل ریاست جمهوری دست به تحصن زدند.

*روز دوشنبه ۱۹ مهر کارگران کارخانه های آونگان اراک، کمباین سازی و واگن پارس با تجمع در مقابل کارخانه و انسداد ورودی شهر اراک، نسبت به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود اعتراض کردند.

به گزارش هرانا، کارگران معترض کارخانه «آونگان اراک» که در اعتراض به عدم پرداخت ۹ ماه دستمزد معوقه خود در مقابل درب کارخانه و ورودی شهر اراک تحصن کرده بودند، خواستار دریافت تمامی دستمزدهای معوقه خود شدند. کارگران معترض قصد عزیمت به تهران و تجمع در مقابل مجلس رژیم را داشتند که این اقدام آنان با دخالت نیروهای انتظامی به تعویق افتاد. از سوی دیگر کارگران کارخانه های «کمباین سازی، واگن پارس» نیز که به عدم پرداخت ۴ ماه دستمزدهای معوقه خود معترض بودند با تجمع در مقابل درب کارخانه و ورودی شهر اراک، خواستار دریافت مطالبات معوقه خود شدند.

*روز چهارشنبه ۲۱ مهر دهها تن از کارگران کارخانه ریسندگی فرنج قزوین در اعتراض به عدم پرداخت ۹ ماه دستمزدهای معوقه خود در مقابل درب اصلی این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند.

به گزارش آژانس ایران خبر، روز سه شنبه ۲۰ مهر نیز بیش از ۲۰۰ تن از کارگران این کارخانه با برپایی تجمع در مقابل درب اصلی کارخانه خواستار دریافت دستمزدهای معوقه خود شده بودند.

*کارگران معترض کارخانه روغن نباتی پارس قو روز چهارشنبه ۲۱ مهرماه در این کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش آژانس ایران خبر کارگران این واحد تولیدی که برای دومین بار در مهر ماه اقدام به حرکت اعتراضی کرده اند خواستار تثبیت شرایط کاری و امنیت شغلی خود شدند. بقیه در صفحه ۶

برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مهر ۱۳۸۹

بقیه از صفحه ۵

* کارگران پیمانکاری شاهین کاران، تحت پوشش شهرداری منطقه یک آبادان در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزدهای معوقه خود در روز شنبه ۲۴ مهر در مقابل ساختمان مرکزی شهرداری این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش ایلنا به نقل از کارگران معترض، پرداخت نشدن چهار ماه حقوق مشکلاتی را برای کارگران به لحاظ امرار معاش، پرداخت کرایه خانه، هزینه تحصیلی فرزندان، پرداخت قبوض آب، برق و غیره در پی داشته است.

* به گزارش آژانس ایران خبر، روز دوشنبه ۲۶ مهر کارگران نساجی خامنه در تبریز در اعتراض به تعطیلی این کارخانه و عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند.

هیات حل اختلاف شوش اخراج کارگران هفت تپه را تایید کرد

هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان شوش رای به اخراج چهار نفر از کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه داد.

رضا رخشان از فعالان کارگری در کارخانه نیشکر هفت تپه در گفت‌وگو با ایلنا اعلام کرد: هیات حل اختلاف اداره شوش در تازه‌ترین احکام خود اخراج فریب‌دون نیکوفر، جلیل احمدی، قربان علیپور و محمد حیدری مهر را تایید کرد.

وی افزود: این افراد از کارگران عضو سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه بودند که در ارتباط با اعتراض‌های کارگری و فعالیت صنفی توسط کارفرما اخراج شده‌اند.

کارخانه نیشکر هفت تپه که یکی از بزرگترین واحدهای تولید کننده شکر خام در ایران است در پی بحران شدن صنایع قند شکر به یکی از واحدهای بحرانی تبدیل شده بود.

گرچه کارگران وضعیت کنونی این واحد تولیدی را نسبت به گذشته مطلوب توصیف می‌کنند اما در ماه‌های گذشته اخباری در خصوص اخراج فعالان کارگری این واحد تولیدی به گوش می‌رسد.

گزارشی از شرکت اندیشه شمال

این شرکت وابسته به بخش خصوصی است و در ۳ کیلومتر ۳ جاده رشت - تهران پشت پمپ بنزین دولت آباد قرار دارد. محصول این کارخانه فیلترهای صنعتی است. این کارخانه متعلق به سه نفر به نام‌های حمیدی، صبحی، مهرپور است. در

این میان، مهرپور بیشتر در کشورهای دیگر در جهت خرید مواد اولیه برای کارخانه به سر می‌برد. کارگران کارخانه در حدود ۳۰ نفر هستند. مواد اولیه کارخانه کاغذ فیلتر است که محصول آمریکاست و توسط شرکت‌های وابسته به آمریکا از طریق دبی وارد ایران می‌شود. ساعت کار ۸ ساعت در روز طبق معمول است و کارخانه در ۲ شیفت کار می‌کند. البته در بعضی از قسمتها مانند تراشکاری و قالب سازی ساعت کار بیش از ۸ ساعت است. در قبال هر ساعت اضافه کار مبلغ ۱۶۵۰ تومان به کارگران پرداخت می‌شود. دستمزد کارگران طبق مصوبه ی اداره کار است. تمامی کارگران قراردادی هستند. کارخانه سابقه تولیدی ۲۰ بیست ساله دارد. قدیمی ترین کارگر کارخانه بیش از ۱۳ سال سابقه کار دارد. بقیه کارگران نیز در حدود ۷ الی ۸ سال سابقه کار دارند. در کارخانه از غذای گرم خبری نیست زیرا سالن غذاخوری ندارد و به کارگران شیفت مبلغ هزار تومان بابت نهار پرداخت می‌شود. از شام نیز خبری نیست. کارخانه فاقد سرویس ایاب و ذهاب است. در کارخانه از حمام حمام خبری نیست. در روزهای گرم کارگران بدن خود را با شیلنگ آب سرد می‌شویند.

در سرویس بهداشتی حتی از مایع دستشویی نیز خبری نیست و کارگران مجبورند از همان چندرغاز دستمزد خود مواد شوینده هم برای شستن دستهای روغنی خود بخرند. خطرناک ترین قسمت کارخانه بخش پرس است. در این بخش با توجه به فرسودگی زیاد دستگاهها و قدیمی بودن آنها سالانه به طور متوسط کارگران شاهد حداقل ۸ حادثه هستند که حتی منجر به قطع انگشت و سایر آسیبها می‌شود. علت این مساله نیز روشن است. پرسها ضربه ای بوده که توسط پایه به آن

انتقال می‌شود و این اتفاقها زمانی می‌افتد که قطعات فلزی کاسه های سرو ته فیلتر زده می‌شود. چون در دستگاههای پرس مسایل ایمنی رعایت نشده است این اتفاقات و حوادث متوجه کارگران می‌شود. از کفش و لباس کارگری خبری نیست. از نظر پرداخت بیمه بیشتر کارگران مشکل دارند و بیشتر مواقع حق بیمه ناچیز آنها پرداخت نمی‌شود که مشمول ماده ۱۰۳ قانون تأمین اجتماعی می‌شود که با شعار حمایت از کارآفرین

اجرای شده است و سعی در تخفیف بیمه دریافتی از کارفرما را دارد. عدم تمدید دفترچه بیمه هم از مشکلات همیشگی کارگران است.

فعالان ضدسرمایه داری گیلان

۲۱ مهر ۱۳۸۹

هدیه خونین مالکی به

میزبانانش

لیلا جدیدی

فراسوی خبر ۲۶ مهر

این امر که مالکی برای حفظ مقام نخست وزیری با حمله به ساکنین اشرف و ضرب و شتم آنان به جمهوری اسلامی که خود فاسد ترین و ضد انسانی ترین حکومت نسبت به مردم ایران است، باج می‌دهد، باید برای مردم عراق اعلام خطری جدی باشد. آنکس که حقوق ساکنان اشرف را نقض می‌کند و با این حرکت قوانین بین المللی، کنوانسیون ژنو و فرهنگ و سنت مهمان نوازی مردم عراق را پایمال می‌کند، آنهم برای باقی ماندن در قدرت، بدون شک حقوق مردم عراق را نیز نقض کرده و می‌کند

در آستانه سفر مالکی به تهران که به منظور گرفتن حمایت بیشتر جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، نیروهای عراقی حمله به قرارگاه اشرف و ضرب و شتم ساکنان آن را به جمهوری اسلامی هدیه کردند.

از سوی دیگر و در رابطه با خدمتگزاری مالکی به جمهوری اسلامی، پایگاه خبری "العراق الجمیع" (عراق برای همه) فاش کرد که نیروهای جمهوری اسلامی یک روز پیشتر با لباس نظامی عراقی در قرارگاه اشرف مستقر شده بودند.

جمهوری اسلامی برای نرم کردن مواضع آمریکا نسبت به خود از شیوه تهاجم و تهدید استفاده می‌کند. رژیم، نفوذ در عراق از طریق کمک رسانی به مزدور خود برای کسب قدرت را به هیچ وجه مخفی نمی‌کند.

در همین رابطه، علی بیگدلی که خبرنگاری نیمه رسمی "ایلنا" از او به عنوان "کارشناس روابط بین‌الملل" یاد می‌کند، درباره سفر نوری مالکی به تهران اظهار داشت: "مالکی به تهران می‌آید تا از ایران تشکر کند" و می‌فزاید: "صدربها در عراق به فرمان ایران از مالکی حمایت کردند و این حمایت احتمال رسیدن وی به سمت نخست وزیری را پررنگ تر کرد."

آزار ساکنین اشرف به هر شکل و صورتی محکوم است. مردم هر دو کشور و مراجع بین المللی می‌بایستی از ارتکاب این اعمال ضدبشری جلوگیری کرده و مانع دخالت سیاسی و خشونت آمیز رژیم جمهوری اسلامی - که خود منفور مردم ایران است - در کشور همسایه شوند.

برق گرفتگی

آیت الله جنتی

منصور امان

فراسوی خبر ۲۴ مهر

آیت الله جنتی گوشه دیگری از آنچه که در پشت صحنه ی طرح کلان حکومت برای حذف یارانه ها جریان دارد را بالا زده است. هُشدار او به "دولت‌ها" مبنی بر آن که "در هدفمند کردن یارانه ها کاری نکنید که مردم ناراضی شوند". نگرانی شدیدی که در بالاترین رده های تصمیم گیری جمهوری اسلامی نسبت به پیامدهای طرح ضد مردمی خود وجود دارد را به تریبون نماز جمعه کشانده است.

رییس کارگزارینی بیت "آقا" که معمولاً از این گرسی، وظیفه نه چندان دلنشین خط دهی و پُشتیبانی از اعتراف گیران و مُجربان قتل‌های حکومتی را به گردن می‌گیرد، این بار واگن منافش را روی ریل دیگری به پیش می‌راند و از "قیمت بالای برق" زبان به شکوه گشوده است. اما او فقط به این ژست اکتفا نمی‌کند، بلکه به کنار زبان دیدگان خزیده و دست تأسف پر دست می‌کوبد: "من به وزیر تلفن کرده ام، نامه نوشته ام اما جواب روشنی نگرفته ام."

آنچه که آقای جنتی به گونه باورپذیر تری مُنتقل کرده است، تایید روند فرار علنی رهبران و پایوران جمهوری اسلامی از زیر پرچمی است که برافراشته اند اما فقط از راه دور مایلند زیر آن سینه بزنند. نامه کمیسیون امنیت ملی مجلس مَلاها به رییس دولت که با یک نامه صد امضایی دیگر همراه شد و در آن با طرح خواست "اطلاع رسانی" و توضیح "جُزییات" وانمود می‌شود که مجلس از قانون مَصوب خود برکنار است، فقط یک نمونه از این گرایش رو به رُشد به شمار می‌رود.

این سیاست ریاکارانه در همان حال که تلاش حاملانش در جهت نپذیرفتن مسوولیت بُرگترین چپاول دولتی تاریخ معاصر ایران را بازگو می‌کند، همزمان اعتراف به وجود نیرویی در قطب مُخالف است که می‌تواند شاهراه طلایی باند نظامی - امنیتی ولی فقیه را به جاده باریکی بر لبه پرتگاه تغییر مسیر دهد.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می‌کنیم

هدفمندی یارانه ها همچون فاجعه ای ملی

جعفر پویه

ریال و نان بربری از ۵۰۰ ریال به ۷۵۰ ریال افزایش یافته است. این کار به دستور احمد علیرضا بیگی، استاندار و رییس کمیسیون تعزیرات ویژه گندم، آرد و نان آذربایجان شرقی انجام شده است.

چند روز بعد بار دیگر خبرنگار مهر در تبریز این بار از قول حسین فیروزی، قائم مقام استاندار در کمیسیون تعزیرات ویژه گندم، آرد و نان استان می نویسد: "افزایش قیمت نان در آذربایجان شرقی به دنبال موافقت استاندار با پیشنهاد کمیته قیمت گذاری کمیسیون تعزیرات ویژه گندم، آرد و نان استان بر اساس آنالیز کارشناسی قیمت تمام شده بود."

وی با تاکید می گوید: "افزایش اخیر قیمت نان در آذربایجان شرقی هیچ ارتباطی به اجرای قانون هدفمندی یارانه ها ندارد."

به زبان دیگر، این گرانی پیش درآمد طرح هدفمندی یارانه هاست. حال کاربه دستان رژیم در استان چگونه آنالیز کرده اند که نتیجه را در گران کردن نان سفره مردم یافته اند از سووالهای بی جوابی است که کسی پاسخی برای آن نخواهد یافت. همچنین هزینه حمل و نقل عمومی چندین برابر شده و مردم همچنان حیران این بی شرمی هستند. سایت تابناک نزدیک به محسن رضایی در خبری می نویسد: "اتوبوسرانی به عنوان یکی از اصلی ترین وسایل حمل و نقل عمومی که مورد استفاده همه اقشار جامعه به ویژه قشر متوسط و ضعیف است، متأسفانه گذشته از سرویس دهی ضعیف و نامناسب، با مصوبه شورای شهر و نمایندگان منتخب مردم تهران، در اقدامی غیرمنتظره، هزینه سفر با اتوبوسهای بلیتی و خطوط اتوبوسهای تندرو را با افزایش ۴۰ درصدی روبه رو کرده است."

همچنین در خبر دیگری معلوم می شود سازمان هواپیمایی بلیطها را ۳۰ درصد گران کرده و مسوولان آن می گویند که بار دیگر در روزهای آینده قیمتها را گران تر نیز خواهند کرد. به این روند، افزایش قیمت بلیطهای قطار، حمل و نقل خصوصی و ... را نیز باید اضافه کرد.

اما این همه ماجرا نیست. روزنامه ابتکار در خبری می نویسد: "این روزها گشتی در بازار کالاهای اساسی حال و هوای دیگری دارد و تغییرات قیمتی به خوبی در بازار خودنمایی می کند. گویی اینکه مارا تن قیمتها در بازار آغاز شده است." بقیه در صفحه ۸

اعلام کند. یارانه ۴۰ هزار تومانی برای هر فرد ایرانی به معنای افزایش ناگهانی قیمتها است. عدد ۴۰ هزار تومان تقریباً در هیچ یک از گزینه های احتمالی و طرح شده از سوی کارشناسان و نمایندگان مجلس و رسانه ها نبوده است. به تعبیر دیگر، دولت با اعلام این رقم تقریباً همه را شوک زده و غافلگیر کرده است. اما آنچه اهمیت دارد این است که این یارانه نقدی باید از ناحیه حذف یارانه کالاهای اساسی انجام شود."

با این حساب دولت قصد ندارد به مدت پنج سال و با شیب ملایم، بلکه با وارد آوردن یک شوک قوی به جامعه طرح را اجرایی کند. اما پرسش اساسی که همچنان باقی می ماند، چگونگی شیوه اجرایی آن است و اینکه این مبلغ از چه محلی به حساب مردم واریز خواهد شد و قیمت کالاهایی که سوبسید آنها حذف می شود نیز چه اندازه خواهد بود؟

با اعلام عدد و رقم واریز شده به حساب بخشی از مردم توسط دولت، به یک باره جهشی در بازار کالاهای صورت می گیرد. به نوشته بسیاری از منابع داخلی، مارا تن قیمتها در بازار شروع شده و ارقام آنها روز بروز بالاتر می رود. این درحالی است که هنوز هیچ کسی دیناری از این محل دریافت نکرده و چیزی ندیده است. قبل از بازار نیز خود دولت دست به یکسری کلاه برداریهای علنی زده و قبضه های آب و برق و گاز را با ارقام نجومی به در خانه های مردم فرستاده است. جنتی، امام جمعه تهران در نماز جمعه ۲۳ مهر در این مورد گفت به او خبر داده اند که قیمت برق و آب "دو، سه و حتی چهار برابر" افزایش پیدا کرده است. او گفت: "من به وزیر تلفن کردم، نامه نوشته ام اما جواب روشنی نگرفته ام." این قیافه حق به جانب جنتی وقتی انزجار برانگیز تر می شود که بدانیم مدتهاست که در بالاترین رده های حکومتی درباره عواقب این طرح هشدار می دهند و خطرات آن را گوشزد می کنند. انگار تا حالا گوش جنتی کر بوده و چنین چیزهایی را نشنیده است.

غیر از این، خبرگزاری حکومتی مهر از تبریز گزارش می دهد که: "به موجب مصوبه اخیر کمیسیون تعزیرات ویژه گندم، آرد و نان آذربایجان شرقی، قیمت انواع نان در تمام شهرهای این استان افزایش یافت." مهر همچنین می نویسد: "نان سنگک سنتی از ۹۰۰ ریال به ۱۵۰۰ ریال، نان لواش سنتی از ۲۳۰ ریال به ۳۰۰ ریال، لواش ماشینی از ۱۷۰ ریال به ۲۵۰

در مدت این پنج سال حذف شده و این کالاها و خدمات با قیمت بازارهای بین المللی عرضه خواهد شد. دولت پس از مدتها مخفی کاری و شایعه سازی در مورد زمان و شکل اجرا، در روزهای گذشته بالاخره اعلام می کند که به عنوان علی الحساب مبلغی را به حساب رییس خانوارها واریز می کند. درباره مبلغ این "علی الحساب" و زمان آن، خود دست اندرکاران دولت حرفهای متناقضی می زنند و هر کس چیزی می گوید. تا اینکه خبرگزاری مهر از قول محمد رضا فرزین، سخنگوی کار گروه تحول اقتصادی دولت اعلام می کند که "مبلغ ماهیانه یارانه نقدی هر ایرانی ۴۰۵۰۰ تومان و اقشار آسیب پذیر ۴۴ هزار تومان تعیین شد."

فرزین همچنین می گوید: "البته یارانه نقدی واریزی تا زمان آغاز اصلاح قیمتها قابل برداشت نخواهد بود ولی مردم می توانند از بانکها موجودی این مبلغ را بگیرند."

واریز ۸۱ هزار تومان به حساب هر فرد خود سووال برانگیز می شود. همه می پرسند این مبلغ برای چه مدتی است؟ در خبرها بود که یارانه برای دو ماه پرداخت شده است اما بلافاصله بهروز مردای به خبرگزاری ایسنا می گوید: "اینکه اعلام نمی شود، یارانه واریزی متعلق به مصرف چند ماهه هموطنان است، منطق اقتصادی دارد." او این منطق اقتصادی را نمی داند اما ادامه می دهد: "اینکه یارانه واریزی برای مصرف چند ماه است، تا زمان اجرای هدفمند کردن یارانه ها اعلام نمی شود. مشخص نیست که این رقم متعلق به یک، دو، سه یا حتی چهار ماه مصرف هموطنان باشد."

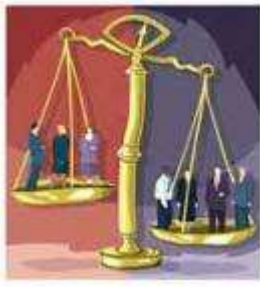
یعنی یک نوعی سرگردانی در بین مسوولین و مردم مشاهده می شود. آنهايي که سردمدار اجرای طرح هستند، آنچنان مخفی کاری می کنند که انگار توطیه ای بزرگ در دست اجرا دارند. در این بین تنها کسانی که غیر خودی هستند و نمی دانند چه خبر است، مردمی هستند که فشار این طرح بر دوش آنان سنگینی می کند.

روزنامه ابتکار در مقاله ای در این باره می نویسد: "اعلام این مبلغ نشان می دهد که دولت در همین مرحله اول اجرای این طرح خواهان افزایش یکباره قیمتها یا همان آزاد سازی قیمتهاست. دولت قصد دارد با اجرای شوک درمانی، تورم حاصل از هدفمندی یارانه ها را یک مرحله ای کرده و از انتظارات تورمی در آینده جلوگیری کند. با این حال باید در انتظار بود تا دولت میزان دقیق افزایش قیمت کالاها را

حذف یارانه ها که دولت احمدی نژاد آنرا در بوق کرنا کرده و جز افتخارات دولت خود می نامد، طرحی است که از سالیان دراز در دستور کار رژیم قرار داشته است. حداقل شش دولت روی کار آمده قبل از احمدی نژاد هر کدام بعد از بررسی، از اجرای آن منصرف شده بودند. واقعیت این است که بحران قابل انتظار پس از قطع سوبسید کالاهای اساسی که آنرا "هدفمند کردن یارانه ها" نام گذاشته اند، آنچنان همه جانبه است که از ترس قیام عمومی مردم و احتمال عدم کنترل آن، دولتهای قبلی عطایش را به لقایش بخشیده بودند. اما اکنون احمدی نژاد و دولت امنیتی - نظامی فکر می کند با توسل به اهرم سرکوب و به میدان کشاندن اوباش مسلح و نیروهای لباس شخصی می تواند این مهم را کنترل کند و از عهده آن برآید. حال، چگونگی این طرح و موضوع دستور عمل بانک جهانی و نسخه پیچی آن برای دولتهای ضد مردمی ای همچون احمدی نژاد برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی و ... مسایلی است که خود باید به طور مستقل مورد بررسی قرار گیرد.

اما آنچه این روزها در ایران می گذرد، تنها بحران اقتصادی نیست. به هم ریختن رژیم به دلیل بحران اجتماعی و به میدان آمدن مردم به دلیل ظلم و ستم دستگاه جبار ولی فقیه ستمگر از یک سو و بحران بین المللی ای که با تحریمهای گسترده همراهی است از سوی دیگر، دست به دست هم داده و وضعیت به غایت پیچیده ای را به وجود آورده است. رژیم در مقابل همه این اتفاقات تنها یک چیز را می شناسد، آنهم سرکوب گسترده مردم معترض و به جان آمده است.

طرح هدفمند کردن یارانه ها یا قطع سوبسید کالاهای اساسی، بعد از کشاکش بین مجلس و دولت امنیتی - نظامی تصویب شد. بارها بر سر شیوه و نوع آن بین دولت و مجلس اختلاف بروز کرد و در نهایت اصلاحاتی به نفع دولت احمدی نژاد در آن صورت گرفت. اکنون بر این اساس، دولت موظف است که در آغاز شش ماهه دوم سال طرح مزبور را اجرایی کند. در این طرح دولت، یارانه شانزده قلم کالا و خدمات در طول یک دوره پنج ساله حذف و سپس این کالاها و خدمات به قیمت بین المللی به مردم عرضه خواهد شد. سوبسید کالاهایی همچون بنزین، گازوئیل، گاز، نفت، برق، آب، گندم (نان)، شکر، برنج، روغن، شیر و شکر



خود به سلف خرها شده یا از بانکها وام گرفته و یا مجبور به فروش زمین و وانهادن آن شده و به حاشیه شهرهای بزرگ پناه برده اند.

همه اینها درحالی است که هنوز طرح هدفمند کردن یارانه ها و یا قطع سوبسید کالاهای اساسی اتفاق نیفتاده است. در حال حاضر با توجه به این ارقام - که در حقیقت بیش از این می باشد - سطح زندگی مردم به شدت نزول کرده و در بسیاری جاها می شود زمزمه های ناراضی را حتا در بین اقشار نزدیک به رژیم مشاهده کرد. بیهوده نیست که سردمداران رژیم خط و نشان می کشند و خبر از توطیه اقتصادی می دهند. آنان خود به کرده خویش واقفند و از پیش سیاست "آی دزد آی دزد" را پیش گرفته اند زیرا به خوبی می دانند که بسیاری از مردم قادر به تحمل این گرانی کمر شکن نیستند. آنها می دانند که فاجعه ای ملی در شرف وقوع است و جنایتکارانه خود را برای مقابله با مردم معترض آماده می کنند زیرا حتی نان که یکی از اقلام اساسی سفره مردم تهی دست و کم درآمد است، با قیمتی عرضه خواهد شد که برای بسیاری قابل پرداخت نیست. خبرگزاری حکومتی مهر می نویسد: "حمید علی خانی، معاون وزیر بازرگانی از حذف یارانهها خبر داد و گفت: قیمت نان نیز بر اساس قیمت جهانی گندم و آرد محاسبه می شود و مردم باید از "نانواییهای آزاد پز" نان خود را خریداری کنند."

پخت و عرضه نان با قیمت‌های بسیار بالا در نانواییهای آزاد پز تا کنون موضوعی فانتزی قلمداد می شد اما اکنون مشخص می شود که رژیم با تاسیس و به کار انداختن این نانواییها سعی کرده قیمت‌های عجیب و غریب را جا انداخته و سپس طرح خانمان سوز خود را با توسل به آنان اجرایی کند. علیخانی همچنین می گوید: "سناریوی تلفیقی وزارت بازرگانی برای تغییر در قیمت نان به تصویب کار گروه طرح، تحول اقتصادی رسید و بر این اساس، قرار بر این شد که حمایت از خرید تضمینی گندم صورت گیرد و در عوض، یارانه تخصیصی به تولیدکنندگان نان حذف و به صورت مستقیم به مصرف کنندگان پرداخت شود."

بقیه در صفحه ۹

است یعنی، ماهانه ۵ میلیارد دلار واردات.

همچنین، وزارت بازرگانی و بانک مرکزی نیز از حداقل افزایش ۲۰ درصدی در واردات گزارش می دهند. بانک مرکزی میزان واردات سال گذشته را معادل ۶۱ میلیارد دلار اعلام می کند. به نوشته تارنمای آینده، کسری بازرگانی کشور در سال گذشته ۳۵ میلیارد دلار و بنا بر ارقام واقعی حدود ۵۰ میلیارد دلار بوده است.

یک بخش این واردات بی رویه مربوط به کالاهایی می شود که به گفته کاربه دستان رژیم، دولت به ذخیره سازی آن پرداخته تا در برابر شوک به وجود آمده در برابر قطع سوبسیدها بتواند مقاومت کند. اما بخش زیادی از این میزان مربوط به کالاهای بنجلی می شود که بازار داخلی را اشباع کرده و کشاورزان و صنعت داخلی را ورشکسته کرده است. تفاوت آمار وزارت بازرگانی و بانک مرکزی با آمار گمرک نیز مربوط می شود به دستگاههای مافیایی ای که واردات خود را از طریق اسکله ها و فرودگاههای تحت اختیار خود انجام می دهند. دلیل آنکه که گمرک نمی تواند آمار واردات و نوع و شکل محصول آنان را مشخص کند را در همین جا باید جستجو کرد. اینگونه آفزاده ها و فرماندهان سپاه و دم و دستگاهی که خود را متولی کشور می پندارند، هر آنچه می توانند برای پورسانتها و درآمدهای نجومی خود انجام می دهند. این بیکار سازی و خانه خرابی به آنجایی رسیده که بنابر آمار دم و دستگاه رژیم بسیاری از مردم درآمدشان با هزینه ها نمی خواند. اعداد و ارقامی که رییس مرکز آمار، عادل آذر مهر بیان می کند، می تواند گویای عمق فاجعه باشد. خبرگزاری حکومتی مهر خبر می دهد که رییس مرکز آمار در نشست خبری خود گفته است: "متوسط کل هزینه یک خانوار شهری در سال ۸۸، ۹۹ میلیون و ۱۹۱ هزار ریال برای یکسال است. وی

متوسط درآمد خانوار شهری در همین سال را ۹۳ میلیون و ۶۰۳ هزار ریال عنوان کرد که نشان می دهد هزینه و درآمد خانوارهای روستایی در سال ۸۸ نسبت به سال قبل از آن بالا رفته است."

با این حساب هر خانواده شهری در هر ماه ۴۷ هزار تومان پس انداز منفی دارد. این به معنی این است که یا مجبور به قرض کردن شده یا از پس انداز و ذخیره خود هزینه کرده و یا مجبور به کار اضافی شده است. همین ماجرا برای خانواده روستایی فاجعه بار تر است زیرا یک خانواده روستایی ماهیانه ۵۷ هزار تومان کسر داشته و که با توجه به موقعیت روستاهای ایران، این خانواده ها به هیچ وجه قادر به تامین آن نبوده و نیستند. به همین دلیل یا مجبور به پیش فروش محصول

منتشر شده غیر رسمی توسط مرکز آمار ایران، در یک سال گذشته بیش از سیصد هزار نفر از تعداد شاغلان کشور کاسته شده است که این امر با احتساب آغاز به کار دست کم ۲۰۰ هزار نفر از نیروهای غیر شاغل در یک سال گذشته، به معنای بیکار شدن ۵۰۰ هزار نفر از شاغلان در ۱۲ ماه اخیر می باشد. این تعداد بیکار سازی توسط دم و دستگاهی انجام گرفته که از برکت رانت‌های دولتی بر شریانهای اقتصادی و صنایع کشور خیمه زده اند. سپاه و بخشهایی از وزارت اطلاعات که مصادره ای غیر رسمی را سازمان داده اند، اکثر مراکز سودآور را در چنگ خود گرفته و با تعدیل نیروی کار و اخراجهای اجباری، لشکر بیکاران را روز به روز بزرگ تر می کنند. آمار بالا همچنین می گوید: "تعداد شاغلان بخشهای مختلف اقتصادی طی سال ۸۸ تا ۸۹ کاهش یافته است."

مرکز دولتی آمار، کاهش نیروی کار در بخشهای مختلف بر اساس آمارگیری فصل بهار خود اینگونه توضیح می دهد: "تعداد شاغلان در بخش کشاورزی در فاصله دو بهار ۸۸ و ۸۹ بیش از ۶۰۰ هزار نفر، بخش صنعت بیش از ۳۴۰ هزار نفر و بخش خدمات اندکی بیش از ۲۸۰ هزار نفر کاهش یافته است."

نرخ فعالیت اقتصادی نیز به دلیل کاهش شاغلان از ۴۰،۵ به ۳۹ درصد و نرخ بیکاری از ۱۱،۱ به ۱۴،۶ سقوط کرده است. هرچند مسوولان اداره آمار علت بیکاری در بخش کشاورزی را خشکسالی بیان می کنند اما کیست که نداند واردات بی رویه کالاهای بنجل و انواع و اقسام تولیدات کشاورزی، تیر خلاص را بر کشاورزی نحیف و نیمه جان کشور وارد کرده است؟ کشاورزان کشور نه تنها مورد حمایت قرار نمی گیرند، بلکه از یک طرف به دلیل واردات محصولات کشاورزی ارزان قیمت و از سوی دیگر بالا بردن هزینه تولید به دلیل گرانی انواع انرژی (برای تولید آب و حمل و نقل)، کمبود و گرانی کود و سموم کشاورزی و از همه بدتر، بالا رفتن هزینه زندگی، نه تنها شغل خود را از دست داده و به خاک سیاه نشسته اند، بلکه شمار زیادی از کشاورزان روستاها را رها کرده و برای زنده ماندن مهاجرت کرده و در حاشیه شهرهای بزرگ، بیقوله ها و حلبی آبادها را رونق داده اند.

دلیل این واردات بی رویه را آمار رسمی گمرک کشور بهتر توضیح می دهد. گمرک ایران مقدار واردات کالا در سال گذشته را بیش از ۵۵ میلیارد دلار و مقدار صادرات غیر نفتی را ۲۱ میلیارد دلار اعلام کرده است. بنابر همین آمار، در شش ماه نخست سال جاری نیز افزایش واردات ادامه داشته و به رقم بی سابقه ۳۰ میلیارد دلار رسیده

هدفمندی یارانه ها همچون فاجعه ای ملی

بقیه از صفحه ۷
روزنامه ابتکار مارتن قیمت‌ها را اینگونه تشریح می کند: "قیمت‌ها در بازار نیز گویا متوجه اجرای قانون شده اند و خود را هر از چند روزی از پله‌های صعود، بالا می کشند. به هرحال، اولین مرحله پرداخت نقدی یارانه‌ها روز سه شنبه در سه استان کشور آغاز و با این اقدام، گام اول در اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها برداشته شد."

ابتکار به این هم بسنده نمی کند و درباره روحیه و قضاوت مردم درباره این وضعیت می نویسد: "مردم حتی در صف میادین میوه و تره بار نیز صحبت از اجرای قانون و واریز یارانه‌های نقدی دارند و به هم توصیه می کنند تا جایی که ممکن است اقلام ضروری را خریداری و نگهداری کنند چراکه ممکن است در ماههای ابتدایی اجرای قانون به دلیل مسایل روانی، شوک به بازار وارد آید و تا دولت بخواهد افسار بازار را مجدداً به دست گیرد، حداقل چند هفته‌ای زمان لازم است."

با این حساب عدم اعتماد مردم به دولت و ترس از ناتوانی در خرید به دلیل قیمت‌های نجومی کار را به جایی رسانده که اقشار فرو دست همان اندک پس انداز و داشته خود را صرف خرید کالاهای اساسی می کنند زیرا می دانند که با سیر صعودی قیمت‌ها این اقلام همچون موارد دیگر از سبد مصرفی آنها غیب خواهد شد؛ اتفاقی که در مورد گوشت برای بسیاری از مردم افتاده است. قیمت سرسام گوشت باعث شده است که از سبد مصرفی بسیاری از خانواده های اقشار فرو دست حذف شود. همچنین است بسیاری از میوه ها و موادی که با دستمزد اندک بسیاری از مردم، توان خرید آن وجود ندارد.

قبل از فاجعه

اما مشکل تنها همین نیست. آمارها و اظهار نظرهای پایوران رژیم، وضعیتی اسفبارتر از اینها را پیش چشم می کشد. مراکز اقتصادی و مالی رژیم اخباری منتشر می کنند که گواه بحران عظیم ساختاری ای است که رژیم در آن دست و پا می زند. اکنون مشخص می شود اقتصاد مال خر نیست زیرا رژیم ولایت فقیه قادر نیست حتی مشکلات جزئی آن را حل کند، چه رسد به اصلاحات حداقلی برای سرسامان دادن به اوضاع اقتصادی کشور تا به این وسیله رژیم تا خرخره در بحران، خود را سرپا نگه دارد.

عمق فاجعه وقتی مشخص تر می شود که به آمار و ارقام دم و دستگاه خودشان بیشتر دقت کنیم. در آمار

هدفمندی یارانه ها

همچون فاجعه ای ملی

بقیه از صفحه ۸

این یاره ها در حالی به زبان آورده می شود که هنوز هیچ مشخص نیست که هر خانوار چه مبلغ یارانه دریافت می کند و چرا باید مردم به ریال و استاندارد داخلی حقوق و دستمزد دریافت کنند اما اقلام مصرفی خود را به قیمت جهانی خریداری نمایند. آیا کسی هست که بپرسد در چنین صورتی مزدبگیران نیز باید با فوب جهانی و بین المللی حقوق و دستمزد دریافت کنند تا بتوانند، به همان شیوه هزینه کنند. اینکه اکثر خانواده های ایرانی از شهری و روستایی کسر درآمد دارند یک طرف و هزینه های سرسام آور و خرید با قیمت های بین المللی طرف دیگر! با این حساب امکان سر به سر کردن درآمد و هزینه برای آنان به هیچ وجه وجود نخواهد داشت.

ترس و وحشت از عاقبت کار

به همین دلیل است که سردمداران رژیم نه تنها هشدار می دهند، بلکه فرماندهان نیروهای سرکوبگر یقه می درانند و از هم اکنون شروع به خط و نشان کشیدن کرده اند. خبرگزاری ایلنا می نویسد: "مجید علوی، قائم مقام وزارت اطلاعات هشدار داد: دشمن برنامه حساب شده ای در جهت افساد و اختلال اقتصادی تدارک دیده است و شرکتها و موسساتی موظف شده اند در این مورد برنامه ریزی کنند."

این دشمن دشمن کردن پایوران رژیم که دایم از دهان ولی فقیه آنها بیرون می آید، در وحله اول مردم ایران را هدف قرار می دهد. اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی در نماز جمعه نهم مهر به پیشواز رفته و گفت: "دشمنان جمهوری اسلامی در

صد گسترش اعتراضات از طریق مطرح کردن مشکلات اقتصادی هستند. آنان با فشار های اقتصادی قصد دارند، شرایط کشور را به نقطه ای بکشاند که آشوب، اغتشاش، نا آرامی و نافرمانی مدنی را به دنبال داشته باشد."

اگر به گزارش مرکز آمار ایران توجه کنیم که نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در سال گذشته را اعلام کرده، آنوقت دلیل یقه درانی احمدی مقدم

بهبتر واضح می شود. این مرکز می گوید که نزدیک به ۲۵ درصد از این گروه سنی بیکار بوده اند و همچنین نرخ بیکاری دختران جوان ۱۵ تا ۲۴ ساله را به مراتب بیشتر از نرخ بیکاری پسران عنوان کرده و می گوید امسال این نرخ به بیش از ۴۶ درصد افزایش یافته است. همین آمار می تواند زنگ خطر بزرگی برای هر دولتی باشد. احمدی مقدم با توجه به همین بیکاریها، هزینه

های سرسام آور زندگی، گرانی و از همه بدتر، قطع سوبسید کالاهای اساسی که وضعیت را به مراتب بدتر از گذشته خواهد کرد، به خوبی می داند باید منتظر اعتراضات اقشار وسیعی از مردم به ویژه مزدبگیران و کارگران باشد. به همین دلیل می گوید: "فتنه امروز در اشکال دیگری همچون فتنه اقتصادی ادامه دارد و ممکن است عده ای قصد داشته باشند که هر روز جایی را به اعتصاب و تعطیلی بکشاند اما نیروی انتظامی بر کانون شکل دهی این فتنه اشراق کامل دارد."

کسی نیست به او بگوید اگر نیروهای تحت امر تو به کانون شکل دهی این فتنه اشراق دارند، پس از داد و هوار تو برای چیست؟ آیا غیر از این است که او از وحشت به میدان آمدن مردم صدایش را بلند کرده است و سعی دارد به دیگران هشدار بدهد؟ اما تعقیب این هیاهو خالی از لطف نیست. این قیافه گرفتن احمدی مقدم و فرار به جلو هنگامی کمیک می شود که او در نامه ای به محمود احمدی نژاد از وی درخواست می کند تا اطلاعات مربوط

به هدفمندی سازی یارانه ها را در اختیارش قرار دهد تا "نیروی انتظامی با علم به عوارض اجرای این سیاست بتواند از حوادث و واکنشهای احتمالی آن جلوگیری به عمل آورد."

احمدی نژاد در پاسخ به گماشته ولی فقیه در نیروی انتظامی می نویسد: "بهبتر است ناچا به وظایف خود عمل کند. گزارش شما تحت تاثیر اخبار نادرست است."

اینگونه، دور برداشتن فرمانده نیروی انتظامی و هیاهوی او بیهوده می شود. او نمی داند که دولت امنیتی - نظامی سعی دارد تا آنجایی که می تواند از تنش بکاهد و بدون سروصدا کار را ادامه دهد. این دور برداشتن و جنجال، خلاف سیاست دولت امنیتی نظامی است.

هرچند مهدی کروی در پاسخ به داد و هوار احمدی مقدم گفت: "سخن این آقا که از فتنه اقتصادی نام می برد، مجوزی برای سرکوب گسترده مردم در مقابل اعتراض به افزایش چشمگیر قیمتها است."

کروی همچنین گفت: "خودشان می دانند که چه مصیبت های اقتصادی در پیش دارند، می گویند فتنه اقتصادی در راه است."

اما وحشت پایوران رژیم با پاسخ دندان شکن احمدی نژاد به احمدی مقدم کم نمی شود. هشدارهای یکی پس از دیگری از راه می رسد. به همین دلیل حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات رژیم به میدان می آید و می گوید: "هماهنگی لازم میان دستگاهها (اداری و دولتی) برای اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها وجود دارد و با هرگونه اختلال در اجرای این قانون برخورد خواهد شد."

با این حساب می شود فهمید که رژیم می داند که با موج وسیعی از اعتراضات روبرو خواهد شد و به همین دلیل دستگاه سرکوب آماده است تا هرگونه اعتراضی را به شدت در نطفه خفه کند. مصلحی همچنین می گوید: "پیش بینیهای لازم انجام شده که اگر کسی بخواهد در اجرای این طرح اختلال ایجاد کند و یا برنامه هایی برای این کار داشته باشد، با او برخورد شود و به دستگاه قضایی معرفی شود."

اینگونه مصلحی به امثال احمدی مقدم دلگرمی می دهد که همه چیز تحت کنترل و امنیتی - نظامیها حساب همه جا را کرده اند. قول مصلحی را خبر دیگری تکمیل می کند. خبرگزاری مستقل هرانا می نویسد: "مقامات امنیتی به خبرگزاری کار ایران (ایلنا) دستور داده اند که از این پس اخبار اعتراضات و تجمعات کارگری را پوشش ندهد."

این فشار بر خبرگزاریها برای عدم انتشار اعتراضات کارگری به چه جهت است؟ آیا این خود گواه ترس رژیم از این طرح به هیچ وجه منافع مردم ایران را در نظر ندارد، بلکه طرحی نو - لیبرالی است که در چارچوب بازار جهانی سرمایه داری اجرایی می شود. دولت و رژیم هیچگونه توجهی برای اقشار تهی دست، مزدبگیران و کارگران ندارند.

آگاهی مردم از اعتراضاتی نیست که به خانه خرابی آنان منجر خواهد شد؟ چرا خبر اعتراضات کارگری ویژه می شود و خبرگزاریها برای عدم پوشش آن تحت فشار قرار می گیرند؟ پاسخ سوال بسیار ساده است. فشار گرانی و بیکار سازی بیش از همه کارگران و مزدبگیران را هدف قرار خواهد داد. سابقه تاکنونی مبارزات کارگران و قدرت تعیین کننده آنان در فلج سازی رژیم، این ترس را توجیه می کند. در یک کلام، تنها کارگران شرکت نفت و موسسات بزرگ تولیدی در صورت یک اعتصاب سراسری و همبسته قادر خواهند بود، بنیان رژیم را بر باد دهند و آنچنان زمینگیرش کنند که با هیچ نیروی سرکوبگری نتوانند بر آنان غلبه کنند.

آخر کار

آنچه درباره آن صحبت کرده و حرفهای بسیاری این روزهای پیرامونش زده می شود، چیزی شبیه یک فاجعه ملی است. این فاجعه توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به سردستگی رییس جمهور برگزیده رهبر و ولی فقیه آن برای خوش آمد بانک جهانی و پذیرفتن رژیم در سازمان تجارت جهانی اجرایی می شود. این طرح به هیچ وجه منافع مردم ایران را در نظر ندارد، بلکه طرحی نو - لیبرالی است که در چارچوب بازار جهانی سرمایه داری اجرایی می شود. دولت و رژیم هیچگونه توجهی برای اقشار تهی دست، مزدبگیران و کارگران ندارند.

شصت آورده را بخشی از موفقیت آن قلمداد می کند. معلوم نیست چرا مردم باید همچون سالهای جنگ ضد مردمی با عراق، تاوان سیاستهای غلط رژیم را بپردازند. علی خامنه ای می داند در کنار بحرانهای متعدد رژیمش، قطع سوبسیدهای کالاهای اساسی می تواند همچون سیلی بنیان کن، اساس رژیم را از ریشه برکند. بنابراین، توصیه های او نه خیرخواهانه بلکه التماس و درخواست از مردم است. او از اعتراض مردم به جان آمده می ترسد و با هزار زبان سعی دارد تا هرگونه که می تواند عوام فریبی کند در حالی که مصلحی و احمدی مقدم به عین شمشیر از رو بسته اند و آمادگی خود را برای هرگونه سرکوبی از قبل اعلام کرده اند. در همین رابطه خبرگزاری روسی ریا نووستی می نویسد: "لغو یارانه های دولتی ارزاق عمومی و سوخت در ایران تنشهای اجتماعی شدیدی در میان مردم به وجود خواهد آورد و ممکن است به خروش ملت منجر گردد."

از چنین خروشی است که سردمداران رژیم می ترسند اما از سوی دیگر عزم خود را جزم کرده اند تا طرح ضد مردمی هدفمند کردن یارانه ها را عملی کنند. در زیر بار بحران به وجود آمده، کدام یک از دو طرف مغلوب خواهند شد؟ مردم در زیر بار کمر شکن گرانی و زور گویی رژیم یا رژیم ضد مردمی ای که به هیچ وجه منافع عموم مردم را در نظر ندارد و راه خود را می رود؟ پاسخ این سوالات را بعد از موج عظیم گرانی و اجرایی شدن فاجعه ملی خواهیم دانست.

جهان در آینه مرور

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۵)

سازماندهی و پیامدهای انتفاضه اول در جنبش مردم فلسطین

لیلا جدیدی

در شماره پیشین نشریه نبرد خلق (شماره ۳۰۳، بخش ۴، سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد) به "پروژه جنبش و مقاومت مردم فلسطین پس از جنگ سرد" پرداخته شد.

در این شماره تلاش شده است تا با بررسی علل، نوع سازماندهی و پیامدهای انتفاضه اول به ریشه های پیدایش این جنبش و برآمد آن پرداخته شود. تمرکز بر انتفاضه اول از این رو دارای اهمیت است که آشنایی فرآیند آزادی بخش مردم فلسطین به دست می دهد. جنبش انتفاضه به لحاظ شکل و فرم استثنایی و غافلگیرکننده، نوع سازماندهی و همبستگی چشمگیر مردم فلسطین و پیامدهای آن دارای اهمیت ویژه ای در رویدادهای مربوط به جنبش مردم فلسطین پس از جنگ سرد دارد. همچنین، بررسی آن آموزشهایی برای دیگر جنبشهای آزادیبخش جهان و به ویژه برای مردم ایران در بر دارد.

انتفاضه به مثابه یک پدیده مبارزاتی خلاق، نتیجه به تنگنا آمدن یک نسل از جوانان فلسطینی بود که در دوران اشغال متولد شده بودند و تجربه هیچ گونه زندگی دیگری را نداشتند. در آغاز، برای مدتها همین جوانان رهبری جنبش را در دست داشتند. جنبش انتفاضه توانست ارزشهای اخلاقی پر ارزشی را در سطح جامعه فلسطین ترویج دهد، انرژی و توان دوباره در کالبد مبارزه و مقاومت بدمد.

جرقه جنبش انتفاضه در هشتم دسامبر ۱۹۸۷ (۱۸ آذر ۱۳۶۶) زده شد و آتش آن به زودی تمامی جامعه فلسطینی را در بر گرفت. حادثه ای که این رویداد را به جریان انداخت به شکلهای گوناگونی توصیف شده است و هر دوسوی متخاصم، فلسطینیها و اسرائیلیها تعبیرات خود را از آن دارند. توصیف غالب بدین صورت بوده است که یک کامیون غیر نظامی اسرائیلی در نزدیکی اردوگاه فلسطینی به نام "جبالیا" با اتوموبیلی فلسطینی تصادف می کند. در این تصادف ۴ فلسطینی کشته و ۷ نفر زخمی می شوند. دو روز پیش از آن، یک فروشنده یهودی در نوار غزه با ضربات کارد به قتل رسیده بود. از این رو، این دو حادثه به یکدیگر ربط داده می شود و منتهی به جنبشی می شود که از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱

ادامه یافته و با مذاکرات صلح مادرید به پایان می رسد.

علل وقوع انتفاضه اول



پس از جنگ ۶ روزه سال ۱۹۶۷ و اشغال نوار غزه، کرانه باختری، صحرای سینا و بلندیهای جولان و خارج کردن آن از کنترل اردن و مصر توسط اسرائیل، فلسطینیهای ساکن این مناطق خود را تحقیر شده و سرخورده می یافتند.

"محمد حسنین هیکل"، نویسنده و روزنامه نگار سرشناس مصری در کتاب "انفجار" که درباره جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ نوشته است، می نویسد: "در این شکی نیست که ما در سال ۱۹۶۷ تجربه بسیار بدی را از سر گذراندیم که می توان بر آن نامهای نکبت، شکست یا هر چیز دیگری را گذاشت. اگر قرار باشد من برای آن نامی بنهم، به حتم آن را شکست نخواهم نامید. به این دلیل نمی گویم "شکست" زیرا شکست به معنای این است طرفی در برابر طرف دیگر کاملاً تسلیم شده باشد. حال اگر این طرف نخواهد خود را تسلیم کند و به زور وادار به تسلیم اش کنند، آنگاه دیگر نمی توان گفت شکست خورده است و فراتر از این، اگر این طرف مصمم به مقاومت شد و به خود امکان داد که با اقتدار به میدان نبرد باز گردد، در آن هنگام او دیگر شکست خورده نیست، بلکه فرصتی به دست آورده تا دوباره خود را آماده نبرد کند و به پیروزی برسد." (برگی از خاطرات جنگ اعراب و اسرائیل در ژوئن ۱۹۶۷) بعد ها، سیاست "مشت آهنین" اسرائیل در سال ۱۹۸۵ و تبعیض اقتصادی و مسکن سازی - آنچه که "گاد یعقوبی"، وزیر وقت اقتصاد اسرائیل "پروژه خزنه پیوست" خواند

- مردم فلسطین را عاصی و خشمگین ترکرد. در طول این دوره، جامعه به سته آمده دست به مقاومت مسلحانه زده بود. سر انجام، تنها چند ماه پس از بیستیمین سالگرد اشغال سرزمینهای فلسطین توسط اسرائیل، اولین جرعه انتفاضه زده شد و آتش جنبشی که جامعه فلسطین را به طور عمیق دگرگون ساخت، به سرعت شعله ور گشت.

انتفاضه یک انفجار اجتماعی علیه اشغال سرزمینهای فلسطینی به دست اسرائیل بود. این جنبش طی سالها و بیشتر از آنکه مردم فلسطین تصمیم به چنین اقدامی دستجمعی، در همبستگی با یکدیگر و بدون هراس از هزینه ای که باید برای آن می پرداختند، برای مطالبه آزادی و استقلال زمینه سازی شده بود.

انتفاضه در چارچوب آنچه که "رهبری متحد انتفاضه" نامیده می شد، بر پایه عمق و وسعت خواست آزادی مردم فلسطین سازماندهی شده و پر توان می گشت.

"هاوارد ساچار"، نویسنده چندین کتاب از جمله "تاریخ اسرائیل"، "تاریخ یهودیان در آمریکا"، "اسرائیل و اروپا" و "تاریخ اسرائیل در جهان مدرن" که استاد تاریخ مدرن در دانشگاه جورج واشنگتن نیز می باشد، در باره علت شروع این جنبش می گوید: "در ۸ دسامبر سال ۱۹۸۷ راننده اسرائیلی یک کامیون غیر نظامی کنترل فرمان در یکی از کمپهای غزه را از دست داد و با سرنشینان یک اتوموبیل فلسطینی تصادف کرد. در این تصادف ۵ نفر کشته شدند. ناگهان تظاهراتی که به سرعت و به طور بی سابقه ای به جمعیت آن افزوده می شد، شکل گرفت. مردم با چاقو، تبر، و سنگ به صحنه آمدند. سربازان اسرائیلی که آمادگی رویارویی با چنین جمعیتی را نداشتند، غافلگیر شدند. آنها با گاز اشک آور و شلیک گلوله واکنش نشان دادند که منجر به زخمی شدن ۳۰ فلسطینی و کشته شدن یک نفر شد. جمعیت پراکنده شدند اما روز بعد تظاهراتی خوشونت آمیز در اردوگاههای کرانه غربی، نابلس و بالتا در گرفت. بار دیگر ارتش که وارد صحنه شده بود با شلیک گلوله چندین نفر را مورد اصابت قرار داد. در روزهای پیش از این حادثه، هزاران سرباز اسرائیلی برای رویارویی با اعتراضاتی که اکنون به سرزمینهای اشغالی گسترش یافته بود، به صحنه آمدند و آنچه که به انتفاضه

(انقلاب سنگ) مشهور است، به وقوع پیوست.

در اورشلیم، پلیس جاده های ارتباطی بین غرب و شرق را بست. همچنانکه که جوانان عرب به سمت سرنشینان اسرائیلی در همسایگی خود سنگ پرتاب می کردند، سربازان اسرائیلی وحشت زده و مات واکنش افراطی نشان می دادند. آنها با باتوم، مردم را مورد ضرب و شتم قرار داده و با گاز اشک آور و مواد منفجره با آنها مقابله می کردند."

سازماندهی جنبش انتفاضه

پرفسور "هاوارد ساچار" سازماندهی انتفاضه اول را اینگونه توصیف می کند: "افراد و نهادهای سابقه دار سیاسی از جمله اتحادیه ها، گروههایی از جوانان، جوامع زنان و کلا، آکادمیسینها و همچنین جمعیتهای دانشجویی به خوبی و به سرعت نشان دادند که در رساندن اخبار و اطلاعات در باره پلیس و حرکتهای سربازان اسرائیلی بسیار موثر هستند. آنان در امر مشاوره قانونی، خدمات بهداشتی، ایجاد مخفیگاهها، تهیه ماشینهای چاپ و سازماندهی مخفیگاه سلاح به سرعت عمل می کردند. کمیته های زنان با نشان دادن قابلیت خود و ارتقا به کرامت ترین بخش انتفاضه، شگفتی آفرین و غافلگیرانه در میدان حضور داشتند. آنها که کمتر مورد سرکوب سربازان قرار می گرفتند، با ایجاد مراکز نگهداری از کودکان، تدارک ملاقات خانواده زندانیان و مهیا کردن مواد خوراکی و پوشاک بسیار فعال بودند. در حالی که در سال ۱۹۸۸ مدارس کرانه غربی بسته شده بود، این زنان بودند که کلاسهای درس شبی در خانه ها، مساجد و کلیساها دایر می کردند."

وی در باره واکنش سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) چنین می گوید: "در تونس، رهبران الفتح و سازمان آزادیبخش فلسطین به همان اندازه خیزش در فلسطین غافلگیر شده بودند که برای اسرائیل غیر منتظره بود. با این حال، نمایندگان آنها در کرانه غربی و غزه به سرعت در تحت کنترل گرفتن و جهت دادن به این خیزش حرکت می کردند. در واقع آنان از نزدیک با کمیته های محلی که به سرعت به سازمانهای مستقل پیوسته و با آنها ائتلاف و مشارکت می کردند، در ارتباط بودند."

بقیه در صفحه ۱۱

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۱۰
پرفسور "ساچار" نتیجه گیری می کند که در نهایت این نافرمانی مدنی بود که مهمترین و موثرترین سلاح جنبش انتفاضه محسوب می شد. وی در این باره می گوید: "سریچی با یک اعتصاب عمومی هفت ماهه از جانب کارورزانی که از کرانه غربی و غزه به اسرائیل رفت و آمد می کردند، آغاز شد. این عده بیش از ۶۰ هزار نفر بودند. در داخل سرزمینهای اشغالی، هزاران فلسطینی از مشاغل خود استعفا دادند، کاسبان و تجار مغازه های خود را روزانه به مدت سه ساعت بستند، بارزگانان از پرداخت مالیات به اسرائیل خودداری کردند و این در حالی بود که تمامی مردم از خرید محصولات اسرائیلی خودداری کرده و آن را تحریم کرده بودند. این اقدام افزوده بر خسارتهایی که متوجه اسرائیل کرد، برای مردم فلسطین نیز به لحاظ اقتصادی سنگین تمام شده و حتی خطرناک بود."



اسرائیلیها هم در مقابله با خیزش فلسطینیها منفعل نبودند. آنان در شهرها و روستاهای فلسطینی حکومت نظامی بر پا کردند. حتی در انتها، سخت گیریهای شدیدی را علیه کارگران عرب که روزانه به داخل و خارج اسرائیل در رفت و آمد بودند، اعمال می کردند. این اقدامات باعث گرفتن وقت زیاد و بازرسهای خسته کننده و طاقت فرسای شده بود. وضع آموزش به و خامت رسیده بود و چون دانش آموزان نمی توانستند در امتحانات شرکت کنند، از تحصیلات عالی محروم شده بودند. در واقع به مدت بیش از ۴ سال تا اوایل ۱۹۹۲، اسرائیل ۶ دانشگاه بزرگ کرانه غربی را به دلیل تظاهرات خشونت آمیز دانشجویان بسته بود. دانشگاه بیززیت Birzeit برخی از کلاسها را در خانه آموزگاران، مساجد و کلیساهای آپارتمانها و مغازه های اجاره ای برگزار می کرد. دانشجویان اجازه نداشتند از کتابخانه ها و آزمایشگاهها استفاده کنند. اسرائیل با به راه انداختن دستگاه اطلاعاتی مجهزی، روی PLO که به "مغز" انتفاضه شناخته می شد، متمرکز شده بود. در ماه فوریه ۱۹۸۸، اعضا موساد سه فرمانده الفتح را در لیماسول (Limasso)، قبرس شناسایی و ترور کردند. دو ماه بعد در یک عملیات دیگر، موساد به مقر اوجیهاد که معاون عرفات و مغز متفکر و فرمانده اصلی عملیات چریکی علیه اسرائیل در سالهای گذشته بود، حمله برد و او را به قتل رساند. همزمان در فلسطین، شین بت (Shin Bet)، آژانس امنیتی داخلی اسرائیل به یافتن جنگجویان ساف و حماس مشغول بود و آنان را دستگیر و یا به قتل می رساند."

"انستیتو اروپایی پژوهش در همکاری کشورهای مدیترانه و اروپا - عرب" پیرامون سازماندهی جنبش انتفاضه در گزارشی می گوید: در آغاز، فلسطینیهایی که در سرزمینهای اشغالی زندگی می کردند، خود کنترل اوضاع را به دست گرفتند. آنها دیگر مانند سالهای ۶۰ تکیه و چشم اندازی به کشورهای عربی نداشتند. از سوی دیگر، به سازمان آزادی بخش فلسطین نیز که رهبران آن در خارج از منطقه اشغالی بودند، تکیه نمی کردند. نکته جالب توجه دیگر آنکه انتفاضه علاوه بر اینکه توانست رسانه ها را با "انقلاب پرت سنگ" به خود جلب کند، به لحاظ تامین نیازهای مالی خود نیز روشهای تازه ای پیدا می کرد.

گستره انتفاضه بسیار وسیع تر از هر نوع اعتراضی بود که در گذشته صورت گرفته بود. انتفاضه به مدت چهار سال به سراسر سرزمینهای فلسطینی گسترش یافت، اعتراضهای عظیم توده ای، اعتصابات عمومی و رویارویی بدون سلاح آمیخته با خود گردانی زندگی روزانه، اعتراضهای مدنی، نوع و ترکیب شرکت کنندگان در آن که شامل جوانان و سالمندان، آوارگان، کشاورزان، تجار، کارگران و روشنفکران که همگی با هم و در کنار هم جنبشی منظم و همگون را پیش می بردند، استثنایی و چشمگیر بود.

در صحنه بین المللی، انتفاضه و در برابر آن سرکوب نیروهای اشغال کننده، آگاهی و روشنگری موثری در باره مساله فلسطین هم در میان مردم اسرائیل و هم بقیه جهان به وجود آورده بود. جهان از خشونت که اسرائیل علیه خیزش غیر مسلحانه به کار می برد و در تضاد با کنفوانسیون چهارم ژنو قرار داشت، شوکه شده بود."

از جمله اقداماتی که از سوی ساف در این زمینه صورت گرفت، پیامی فوری بود که در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۸۷ یاسر عرفات، رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) در دیدار با سفیر فرانسه در کویت خطاب به فرانسوا میتران، رئیس جمهور وقت فرانسه فرستاد. وی در این پیام به بررسی تحولات فلسطین و اقدامات جنایتکارانه اسرائیل علیه مردم فلسطین پرداخت وی از رئیس جمهور فرانسه خواست تا در دفاع از حقوق فلسطینیها، در رویارویی با اعمال اسرائیل وارد عمل شود.

در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۷ نیز کمیته عالی امور سرزمینهای اشغالی به ریاست عرفات در بغداد تصمیم گیریهای مهمی در زمینه حمایت و تحکیم انتفاضه مردمی در داخل نظیر فراهم کردن مقدمات برپایی تحصنها و تجمعها در تمام مکانها و نیز برپایی تظاهراتی گسترده اتخاذ کرد.

گروههای مردمی فلسطین هم چنین در ۱۴ دسامبر همان سال نشست فوق العاده ای را جهت بررسی اوضاع وخیم فلسطین در اثر حملات نیروهای اسرائیلی به اردوگاههای فلسطینی در کرانه ی باختری و نوار غزه و نیز بررسی جان باختن ۵۴ نفر و زخمی شدن ۱۵۲ تن در مدت کوتاهی که از آغاز انتفاضه گذشته بود، برگزار کردند.

گروههای فلسطینی همچنین در پیامهایی اضطراری به خاویر پروز دکیوار، دبیرکل وقت سازمان ملل، رئیس شورای امنیت، بازار مشترک اروپا، صلیب سرخ و کمیته ی حقوق بشر به تشریح اوضاع خطرناک نوار غزه پرداختند.

سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) نیز دفاتر سیاسی متعددی را جهت پیگیری جزییات انتفاضه و وقایع روزانه آن در هر شهر و اردوگاه تاسیس کرد. تلاشهای همه جانبه به رهبری عرفات، رئیس فقید تشکیلات خودگردان فلسطین ادامه یافت و به این ترتیب انتفاضه فلسطینیها با حمایت سیاسی عرفات و افشاکری در مورد تجاوزات اسرائیل در محافل بین المللی و پوشش دقیق این تجاوزات از سوی رسانه ها، رنگ تازه ای به خود گرفت و منجر به گرایش افکار عمومی جهان به سوی انتفاضه مردمی فلسطین و ارسال حمایتهای مالی جهت فراهم کردن امکان فعالیت انتفاضه و حمایت از خانواده های کشته شدگان، زخمیها و اسیران انتفاضه گردید. از سوی دیگر، اجرای برخی طرحهای اقتصادی برای فلسطینیها با هدف تقویت پایداری آنان در برابر خشونتهای اسرائیل در دستور کار قرار گرفت.



پیامدها

یکی از پیامدهای مهم جنبش انتفاضه اول که نه تنها اسرائیل بلکه، مردم جهان را متخیر کرد، برگزاری کنفرانس بین المللی در مادرید بود. با این همه و با وجود دیگر مذاکراتی که در واشنگتن یا نقاط دیگر جهان صورت می گرفت، اسرائیل با ترتیبات هرچند ابتدایی صلح موافقت نمی کرد. قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل برای اسرائیل قابل قبول نبود. حتی قطعنامه های ۱۹۴ که بر حق بازگشت آوارگان فلسطینی تاکید می کرد، مورد پذیرش اسرائیل قرار

بقیه در صفحه ۱۲

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۱۱

نگرفت. با این وجود، کنفرانس مادرید کاراکتر خشونت آمیز، سرکوبگرانه، مستعمره گرایانه و نژاد پرستانه اسرائیل را افشا و آگاهی در این باره را عمومی کرد.

در سال ۱۹۹۳ توافق صلح اسلو که در اثر انتفاضه اول ممکن شده بود، به امضا رسید اما این توافق، انتفاضه را هم رو به خاموشی برد و به اسرائیل چهره صلح طلب داد. با این حال، اسرائیل نه تنها به خروج از سرزمینهای اشغالی فلسطین که با آن موافقت کرده بود تن نداد بلکه، حق شهروندی ساکنان فلسطینی اورشلیم را نیز سلب کرد و به مسکن سازی در سرزمینهای فلسطینی شتاب بخشید. در این دوران، فلسطینیها چند دسته شدند و به موافق اسلو، مخالف اسلو، فلسطینیهای داخل سرزمین فلسطین، خارج سرزمینهای فلسطین، غزه، کرانه غربی، فلسطینیهای ۱۹۶۷، فلسطینیهای ۱۹۴۸ و غیره تقسیم شدند.

"انستیتو اروپایی پژوهش در همکاری کشورهای مدیترانه و اروپا-عرب" در گزارشی پیامدهای جنبش انتفاضه را اینگونه توصیف می کند: "با وجود هزاران کشته و زخمی، تخریب خانه ها، تعطیلی کامل سیستم آموزشی و ممنوع کردن هر نوع دیگر تدریس برای دو سال، حکومت نظامی و دهها هزار بازداشت، ارتش اسرائیل نتوانست این جنبش را خاموش کند و ناچار شد تن به مذاکره بدهد."

در ادامه این گزارش آمده است: "همزمان، انتفاضه تغییرات مهمی را در خط مشی رهبری ساف ایجاد کرد که از جمله کوتاه آمدن و کنار آمدن با اسرائیل بود. در نهایت هم اسرائیل توسط شورای مذاکره کننده به رسمیت شناخته شد. انتفاضه نیز هنگامی که ساف وارد مذاکرات صلح با اسرائیل شد و دولت خود گردان فلسطینی در چارچوب قرارداد اسلو به رسمیت شناخته شد، پایان یافت."

می توان نتیجه گرفت که قرارداد اسلو در نهایت شکست خورد زیرا اشغال ادامه پیدا کرد و شهرسازی گسترش یافت و مذاکرات کمپ دیوید در ژوئیه سال ۲۰۰۰ نیز شکست خورد. با این حال، این عوامل راه را برای انتفاضه دوم یا "القوی انتفاضه" در ۲۸ سپتامبر سال ۲۰۰۰ هموار کرد.

جنبش انتفاضه اول که جنبش سنتی چریکی نبود و سازمان آزادی بخش فلسطین در ایجاد و کنترل آن نفوذ زیادی نداشت (و در واقع انتظار این را نداشت که بتواند دستاوردی در برابر اسرائیل داشته باشد)، به هر صورت به نتایجی دست یافت که بسیاری از فلسطینیها آن را مثبت می دانند. در

نهایت، می توان مهمترین پیامد انتفاضه اول را باز شدن راه برای ایجاد دولت مستقل فلسطین به حساب آورد. دانشنامه انگلیسی ویکیپدیا این دستاوردها و پیامدها را بدین گونه جمع بندی می کند: "کشاندن اسرائیل پای میز مذاکره بدون واسطه کشورهای عربی همسایه. فلسطینیها توانستند هویت خود را به عنوان ملتی که حق خود مختاری دارد در جهان به اثبات برسانند."

پایان رسیدن عصر "راه حل اردن" که طی آن اسرائیل می خواست زمینهای فلسطینی را به اردن ضمیمه کند. شکست سیاست "مشت آهنین" و مخدوش کردن چهره بین المللی اردن در رساندن کمک به کرانه غربی به رسمیت شناخته شدن ساف از جانب ایالات متحده آمریکا به عنوان نماینده مردم فلسطین و ادار کردن رابین به ورود به مذاکرات صلح و بازگشت رهبران فلسطینی از تبعید در تونس."



دیدگاهها

پیرامون آثار و پیامدهای خیزش فلسطین و توافق اسلو در میان کوشندگان و رهبران جنبش انتفاضه (انتفاضه ۱ و انتفاضه ۲ که در سال ۲۰۰۰ آغاز شد) اختلاف نظرهایی وجود دارد.

علی حسن ابونعمه، یک روزنامه نگار فلسطینی-آمریکایی و بنیان گذار نشریه اینترنتی "انتفاضه اینترنتی" است. او نویسنده کتاب جنجال برانگیز "یک کشور" می باشد که در آن راه حل یک کشور و دو ملت را پیشنهاد می کند. ابونعمه در باره ترک مخاصمه فلسطین و اسرائیل در روزنامه گاردین می نویسد: "ما حرفی در مورد صلح نداریم اما صلح برای اسرائیل چه معنایی دارد؟ فلسطین از حق سکوت برخوردار است و حق اسرائیل هم گرسنگی دادن، کشتن، و ادامه مستعمره کردن سرزمینهای آنها با به کارگیری خشونت است و هر نوع مقاومتی هر چند غیر خشونت آمیز، جز با گلوله و بمب پاسخ نمی گیرد. این تنها راهی است که اسرائیل با آن موافقت می کند."

وی همچنین در یک مصاحبه با رادیو بی بی سی پیرامون خاتمه دادن به انتفاضه ۲ که در سال ۲۰۰۲ آغاز شد می گوید: "این دست ما نیست که بگوییم به انتفاضه خاتمه دهیم. یاسر

عرفات و دیگران به طور دایم اعلام کرده اند که به انتفاضه خاتمه دهید. واقعیت این است که مردم فلسطین تحت دیکتاتوری نظامی زندگی می کنند، رفتاری به شدت خشونت آمیز نسبت به آنها صورت می گیرد و ما می بینیم لحظاتی در تاریخ هستند که از آفریقای جنوبی گرفته تا اروپای شرقی، مردم در نهایت به پا می خیزند. من فکر می کنم مردم فلسطین به این نتیجه رسیده اند که زندگی در این شرایط قابل تحمل نیست. آنها حاضرند هزینه سنگین به دست آوردن حقوقی که مردم انگلیس یا آمریکا از آن برخوردارند یعنی، آزادی و حقوق بشر را بپردازند."

ادوارد سعید، متفکر، محقق و مبارز فلسطینی در کتاب خود به نام "شرق شناسی" که در ۱۹۷۸ چاپ شد و مهمترین اثر او به شمار می رود، به این مساله پرداخته است. سعید به قول "نیویورک تایمز" مهمترین اندیشمند و سخنگوی خستگی ناپذیر جنبش فلسطین و مدافع مبارزات مردم در دیگر نقاط جهان شناخته می شد. به گفته او، وزنه توافق اسلو به شکلی ناعادلانه به نفع اسرائیل سنگینی می کند و عرفات و اطرافیانش "مایل به سازشکاری" با اشغال نظامی اسرائیل اند. او حتی تشکیلات خودگردان عرفات را با دولت ویشی فرانسه در زمان اشغال توسط آلمان نازی مقایسه کرد. ادوارد سعید سالها عضو شورای سیاسی فلسطین بود اما در ۱۹۹۱ به دنبال امضای موافقتنامه اسلو، در مخالفت با آن و با انتقاد از عرفات از این شورا استعفا داد.

اکنون و پس از یک دوره مباره مسلحانه چریکی، دو انتفاضه و بهای سنگینی که جنبش فلسطین در راه آزادی پرداخته است، عده ای راه پیشبرد مقاومت فلسطین را انتفاضه سوم می دانند. با این حال، محمود عباس، رییس دولت خود گردان فلسطین در ماه مه سال جاری، انتفاضه دوم را "یکی از بدترین اشتباهات" خواند. وی گفت یاسر عرفات خواهان وقوع آن نبود ولی نمی توانست متوقف اش کند.

به هر صورت، هر گونه که رهبران تصمیم بگیرند، این واقعیت را مردم فلسطین با مبارزاتشان به اثبات رسانده اند که اراده آنان برای کسب آزادی و استقلال شکست ناپذیر است. بیش از ۱۰۰۰ فلسطینی در انتفاضه اول به دست ارتش اسرائیل کشته و بیش از ۱۲۰ هزار نفر دستگیر شدند اما این خشونت بی سابقه علیه مردمی بی دفاع، قادر به منصرف کردن آنها از خواسته هایشان نشد.

ادوارد سعید، متفکر فلسطینی در باره انتفاضه می گوید: "توجه کنید که این تنها واژه عربی است که وارد واژگان سیاسی دنیای قرن بیستم شده است. این واژه جدید، پرچم یک هویت جدید است، پرچم نیاز ملت فلسطین به استقلال حقیقی است، صدای شکستن دیوار زندان است."

سازماندهی نماز جمعه
برای حل بحران

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ۷ مهر سخن پراکنیهای پاپوران رژیم در گوشه و کنار و سریال مسایلی که پیرامون آن بحث می کنند، گویای وضع موجود و تهدیداتی است که پیکر نظام درگیر آن است. استفاده از تریبون نماز جمعه و سازماندهی کسانی که خود را نمایندگان ولی فقیه می دانند و به طور یک طرفه تبلیغ و ترویج خشونت می پردازند، پدیده ای است که اوضاع آشفته رژیم را نشان می دهد. صحبت های علی لاریجانی در گردهمایی امامان نماز جمعه، نمونه ای از این گونه واکنشها در برابر شفاف درونی رژیم و نیز بحران ریزش اتوریته ولی فقیه در بین روحانیت و همچنین بحران غیر قانونی موجود است.

لاریجانی در رابطه با وحدت موضوع محوری را حول ولایت فقیه می داند. وی می گوید برای وحدت محور باید داشت و «محوری مهم تر از تفکر ولایت فقیه نیست». جایگاه ولایت فقیه در میان دستگاه روحانیت به طور جدی زیر سوال رفته است. در شرایط فعلی ولی فقیه فقط چهره ای طلرک شده در میان مردم نیست بلکه موضوع بالاتر از این است. یعنی ولی فقیه دیگر اتوریته ای برای به هم چسباندن نگاهبانان نظم پوسیده موجود ندارد. بر همین منظر حتا ترور از درون و تکرار کمدهیهای سعید امامی و ... را می توان پیش بینی کرد.

لاریجانی می گوید «باید مواظب بود کسی دنبال روش سکولاریسم نباشد، البته شاید عده ای ناخودآگاه دنبال این موضوع باشند». رشد طرفداری از سکولاریسم و حکومت غیر دینی و یا به عبارتی جدایی دولت از دین، به راستی خطر و تهدیدی جدی برای رژیم است که لاریجانی همانند همکیشانانش بدان اشاره کرده است.

در پی بی اهمیت دانستن نقش مجلس از طرف احمدی نژاد، روز سه شنبه ۱۷۰ نفر از مجلس نشینان در نامه ای به احمدی نژاد خواستار آن شدند که وی به جای تعیین موقعیت دولت و مجلس، به مشکل یبکاری و ... برسد. در همین روز علی خامنه ای در صحبت هایش با ائمه جمعه بار دیگر از احمدی نژاد دفاع کرد و سفر وی را «سفر پر مغز و پر کار» دانست. خامنه ای در ادامه حرفهای احمدی نژاد در نیویورک به وجود میلیونها کارتن خواب در نیویورک اعتراض کرد. خوابیدن در کارتن همه جا بد است و نشانی از بی عدالتی است. ولی ولی فقیه و رئیس جمهور اش بهتر است به کودکان فقیر در خیابان و یا خیابانهای که در شهرهای ایران حتا کارتون هم برای خوابیدن ندارند بپردازد.

مرضیه از دو منظر: زنی مقاوم و هنرمندی متعهد آناهیتا اردوان



عملکرد، ذوق و قریحه بی مانند اشرف السادات مرتضایی، هنرمندی که همه دوستداران هنر، او را با نام "مرضیه" می شناسند، شاید از بسیاری جنبه ها باید مورد بازگویی و ستایش قرار گیرد. اما یکی از واضح ترین ویژگیهای مرضیه، زن بودن و مقاوم بودن اوست. بی شک زمانی که ما از اعمال تبعیض جنسیتی و نابرابری صحبت می کنیم، به خوبی می دانیم که این مساله در تار و پود فرهنگ ما تنیده شده و هر سراسر عرصه های اجتماعی از جمله هنر نیز بازتاب یافته است. بدین ترتیب، اگر قبول داشته باشیم که در برابر اعمال تبعیض جنسیتی، آنتی تز آن یعنی، مبارزه برای برابری، همه عرصه های اجتماعی را فرا می گیرد، عرصه هنری نیز به کارزاری جهت تلاش و مبارزه علیه نابرابری تبدیل می شود. اینگونه است که مرضیه با تشویق مادرش به عنوان یک زن و هنرمند، در جامعه ای پا به عرصه هنر می گذارد که زن در ساختار سیاسی آن تنها به عنوان زینت المجالس و به شیوه ای کاملا سنتی به جامعه معرفی می شود. دستگاه تبلیغاتی زمان شاه در راستای منافع طبقاتی همواره در تلاش بود تا از نقش زن به عنوان ابزاری در پاسداری از تمامی مناسبات و روابط تولیدی حاکم بهره جوید. در چنین جامعه ای سنتی که دختران خردسال به ازای چهار بزغاله در روستاهای ایران به فروش می رسیدند، بسیار دور از دسترس است که زنی بتواند در مقابل چشم فرهنگ غالب آن قد علم کند که حتی تعریف انسانی ضعیفی برای "زن" قایل نیست .

مرضیه در چنین میدانی با حفظ زنانگی و جدیت بی مانند ای پا به میدانی می گذارد که حتی هنر در زمان حاضر حیطه ی مردانه محسوب می گردد. اما او به عنوان یک زن که از ذوق و استعداد هنری بی همتایی برخوردار است، با پشت پا زدن به همه سنتهای عقب افتاده، کار هنری خود را آغاز می کند. او خود در مصاحبه ای می گوید: "وقتی که من آغاز به خواندن کردم،

خواننده شدن برای زنان خیلی غیرعادی بود".

مرضیه با آغاز کار هنریش در جامعه آنروز ضمن حرکتی تحسین برانگیز، دست رد بر نگرش جنسیتی می زند. این حرکت به اندیشه غالب که تلاش می کرد "بی عدالتی" خود را با این بهتان که "جنسیت و زن بودن، به طور طبیعی مانع دستیابی زنان به موفقیت در عرصه های گوناگون است"، توجیه کند، مهر بطلان کوید و با راهیابی به برنامه گلهها که برنامه رادیویی بسیار سنگینی بود، عنوان اولین زن هنرمند گلهها را کسب کرد. بی تردید شنیدن صدای یک هنرمند زن که از استعداد و ذوق بی همتایی برخوردار است و مورد تایید بسیاری از استادان موسیقی نیز می باشد، تضاد جنسیتی بین زن و مرد را در افکار عمومی تا میزان قابل ملاحظه ای کم رنگ تر می کند. هنگامی که صدای مرضیه برای اولین بار از برنامه گلهها پخش می شود، توانایی یک زن در صدای پر قدرت او در گوش افرادی که تا دیروز گمان می بردند برنامه گلهها برنامه ای تنها مردانه است، طنین می اندازد. این طنین بی شک در آن زمان برای زنان نیز آگاهی بخش بود .

مقاوم بودن، جدیت و تلاش بی وقعه او جهت رسیدن به بالاترین درجات هنری تاثیر به سزایی در جنبش برابری طلبانه در عرصه هنری گذاشت اما جنبه شکوفایی و مقاوم بودن مرضیه از یکسو و متعهد بودنش از سوی دیگر، زمانی به گونه بسیار روشن تری آشکار گردید که با روی کار آمدن نظام دژخیمان حاکم پس از ۱۵ سال سکوت، به خارج از کشور آمد. او بدون درنگ با انتخاب آزاد، مبارزه علیه استبداد حاکم را آغاز کرد. او می توانست مانند بسیاری دیگر روی سن برود، در برابر نورافکنها، در سالنهای بزرگ و مجلل، زیر نور چراغهای کریستال به آوازخوانی بپردازد. اما او نه زنی از این جنس بود و نه هنرمندی از این دست. مرضیه راهی دیگری، راهی بس دشوار ولی بسیار پویا برگزید. خانم مرضیه به عنوان یک زن مقاوم و هنرمندی متعهد به کارزار مبارزه با استبداد حاکم در شورای ملی مقاومت پیوست. "مقاوم بودنش به عنوان یک زن" و "متعهد بودنش به عنوان یک هنرمند"، کانون ایدیولوژی مرتجعان حاکم را نشانه گرفت. مرضیه پیوندی بسیار محکم بین مبارزه علیه ساختار سیاسی حاکم و ارایه هنر متعهد ایجاد کرد تا آنجا که با صدای رسا و پرطنینش لباس رزمندگان ارتش آزادیبخش را به تن کرد، سلاح به دست گرفت و بر روی تانک به پشتیبانی رزمندگان، آوای عشق سر داد و نوای امید و پیروزی در جانها نواخت .

مرضیه به عنوان زنی مقاوم و هنرمندی مترقی و به عنوان یک زن، سمبلی از مقاومت و آزادگی و به عنوان یک هنرمند، نمادی از هنر متعهد و پویا قابل ستایش و تحسین است. نام مرضیه در کنار زنانی که در تاریخ ما با بهره گیری از قابلیت‌های خلاقانه خود هر کدام به شکلی با فرهنگ عمیقاً زن ستیزانه رژیمهای حاکم مبارزه کرده اند و در بلندای تاریخ هنر متعهد و مردمی میهن ما همواره خواهد درخشید.

فقدان این زن مقاوم و هنرمند متعهد را به همه دوستدارانش تسلیت می گویم.
یادش همواره گرامیست

دادگاه نمایشی حمله کنندگان به کوی دانشگاه

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ۱۴ مهر
روز سه شنبه ۱۳ مهر، سازمان قضایی نیروهای مسلح ولایت فقیه از برگزاری دادگاه متهمان پرونده حمله به کوی دانشگاه خبر داد. به گفته این منبع، ۲۳ تن از متهمان این رویداد جنایی همراه با وکلایشان و تعدادی از شاکیان در دادگاه شرکت داشته اند. نخستین جلسه این دادگاه در شعبه دوم دادگاه نظامی تهران در حالی برگزار شد که اسامی و موقعیت شغلی این متهمان اعلام نشده است. روز ۲۴ تیر ۱۳۸۸، اراذل و اوباش بسیجی تحت حمایت نیروی انتظامی وارد کوی دانشگاه تهران شده و دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. در اثر این یورش وحشیانه، ۵ تن از دانشجویان شهید شده و دهها نفر زخمی و تعدادی دستگیر و شکنجه شدند. تعداد زیادی از این دانشجویان همچنان در سیاهچالهای رژیم به سر می برند. وارد شدن نظامیان و بسیجیها و لباس شخصیها به کوی دانشگاه و یورش وحشیانه به دانشجویان در شامگاه روز ۲۴ خرداد سال پیش، در ادامه یورشهای قبلی به خوابگاه دانشجویان بوده است. از این گونه پرونده ها که بسیجیها و یا لباس شخصیها تحت حمایت نیروهای انتظامی به مردم، جوانان و یا دانشجویان حمله کرده اند، در کارنامه رژیم فراوان است. فیلمها و مدارکی که در مورد حمله به کوی دانشگاه تا کنون منتشر شده، نقش نیروهای انتظامی و حمایت آنها از بسیجیها آشکار است. این یورش یک خشونت دولتی و سازماندهی شده از طرف حاکمیت به شمار می رود. سخنان تهدیدآمیز ولی فقیه در مورد مخالفان به نتایج نمایش انتخاباتی زمینه ساز اعمال چنین خشونتی از طرف لومپنها تحت حمایت گارد نظامی است.

این خامنه ای بود که چراغ سبز را برای به کارگیری خشونت حداکثر روشن کرد. صحبت‌های خشونت آمیز خامنه ای در نماز جمعه روز ۲۹ خرداد را کسی فراموش نکرده است. با همین تهدیدها بود که نیروهای سرکوبی در روز شنبه ۳۰ خرداد مردم را در خیابانهای تهران و شهرهای دیگر به خون کشاندند. در حالی که انگشت اتهام به سمت ولی فقیه به عنوان مسئول اصلی همه جنایت‌هایی که تا کنون پیش آمده، نشانه رفته است، وی از رسیدگی به پرونده افراد خودسر صحبت می کند.

خامنه ای زیر فشار بعضی از نزدیکان به قدرتمداران حکومتی که

فرزندانشان در مبارزه علیه استبداد به شهادت رسیده اند، دستور بسته شدن شکنجه گاه کهریزک را داد. قرار شد به پرونده کهریزک رسیدگی شود. بعضی از شکنجه گران این بازداشتگاه که نامشان توسط زندانیان فاش شده است همچنان بر سر قدرت و یا در پست‌های دیگری مشغول به کار هستند. در دادگاه نمایشی مربوط به پرونده کهریزک، چند مامور را طبق معمول می خواستند قربانی کنند که این شعبده بازی هم توسط تعدادی از شاکیان به رسمیت شناخته نشد.

بیدادگاههای رژیم هیچ صلاحیتی برای رسیدگی به پرونده کوی دانشگاه ندارند. همانطور که در رسیدگی به پرونده های دیگر مانند قتل‌های زنجیره ای و یا ... بی صلاحیتی آنها روشن شد. در سیستم قضایی که هیچگونه استقلال ندارد و در نظامی که ولی فقیه همه کاره و التزام به او بر همه واجب است، و در محکمه ای که آمران و عاملان جنایت پیش آمده خود از جمله گردانندگان دادگاه هستند، چگونه می شود عدالت را برقرار کرد. این شیوه ها مفهوم عدالت و دستگاه قضا را همچون مفاهیم دیگر لوٹ کردن چنین کلماتی که جایگاه ویژه ای در مبارزه بشریت برای برقراری عدالت دارند از جمله شگردهای رنگ باخته استبداد مذهبی حاکم است.

پرونده حمله به کوی دانشگاه و پرونده جنایات دیگر رژیم باید در یک دادگاه ذیصلاح و با نظارت نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر، با شرکت خانواده قربانیان و همه شاکیان برای رسیدگی به پرونده آمران و عاملان این جنایتها تشکیل شود.

مروری بر آنچه در عراق گذشت

ناهیتا اردوان

بی گدار به
آب زدن، او
را مورد
عتاب و
براشفته

افتاد. بدین ترتیب است که "جو بیدن"، معاون ریاست جمهوری آمریکا با بارزانی، رئیس منطقه کردستان عراق تماس گرفته و گفته که با یک دولت فراگیر در عراق موافق است و از آن حمایت می کند. در این گفتگو، هر دو طرف موافقت کرده اند که دولت جدید باید همه ائتلافها را در بر بگیرد. از سوی دیگر، روزنامه "العالم" می نویسد که آمریکا اعتقاد دارد چون صدریها تحت تاثیر رژیم ایران به کاندیداتوری المالکی تن داده اند، مساله نخست وزیری مجدد وی خطر بزرگی است.

طرفداری جریان صدر از مالکی با وجود تمام توطیه ها و نیرنگهای رژیم ولایت فقیه برای تأیید دولتی ارتجاعی، به اندازه بی ثباتی رژیم ولایت فقیه ناشی از عدم توانایی در کنترل در داخل همچون سابق و عدم خواست پابینها در قبول شرایط، عقیم می باشد. به عبارت دیگر، توافق نامزدی مالکی از سوی جریان صدر از بند ناف مادری تغذیه می کند که خود رو به مرگ است.

حمله به ساکنان شهر اشرف در آستانه سفر مالکی به ایران

محاصره و حمله مجدد به ساکنان اشرف در آستانه سفر مالکی به ایران گویای این حقیقت است که مالکی برای به قدرت رسیدن و برای اثبات چاکری خود به رژیم ولایت فقیه به نیرویی حمله می برد که سالهاست با تحمل بدترین شرایط از مواضع انقلابی خود گامی به عقب ننشسته است. حمله و مجروح کردن ساکنان اشرف از سوی نیروی تحت امر مالکی و ولایت فقیه از هراس سردمداران شکست خورده ای سخن می گوید که دیر زمانیست تاریخ، روز فزای آنان را به ثبت رسانده است.

شهر اشرف با پایداری، مقاومت و تحمل شرایط دشوار همواره زنگ خطر دخالتهای رژیم چهل و جنایت را برای ملت عراق به صدا در آورده است. اکنون شهر اشرف افزون بر یک کانون مبارزه با توسعه بنیادگرایی در منطقه، به مرکز ثقل ترویج آگاهی جهت کوتاه کردن دست ولایت فقیه و رسوا کردن ابزارهای اعمال قدرت او در شکل ائتلافهای شکننده و ناپایدار بدل گشته است.

بیش از سه دهه مبارزه مداوم، ایستادگی و پایداری اشرفیان می بایست این درس را به ولی فقیه، مماشات گران و نوکران چهل و ستم وابسته به ارتجاع حاکم داده باشد که عهد و پیمانی که با نثار جان پرداخته شد، با هیچ نیرنگ و توطیه ای نه تنها گسسته نخواهد شد بلکه، عمیق تر در زمین مبارزه و مقاومت ریشه خواهد دواند.

خشم ملت عراق از ناکارایی و ناتوانی دولت مالکی و در حقیقت عدم خواست وی جهت حل معضلات اجتماعی، تعویق در تشکیل دولت آینده به موازات دخالتهای آشکار رژیم در مسایل داخلی عراق، تداوم فعالیت‌های تروریستی و برخورد‌های فرقه ای و مذهبی، در فریادهای اعتراضی آنان انعکاس یافته است. بیش از دو میلیون عراقی در جستجوی امنیت و منطقه ای که بتوانند در داخل عراق سکنی بگزینند، مهاجرت کردند. آنها قربانی خشونت‌ها و کوچ‌های اجباری هستند. این مهاجران در ۵ سال اخیر خانه و کاشانه خود را ترک کرده‌اند. براساس سرشماریهای رسمی دولت و سازمان ملل متحد، بیش از یک و نیم میلیون مهاجر همچنان در مجتمع‌های مسکونی پراکنده یا ساختمانهای نامناسب دولتی زندگی می‌کنند و به طور مداوم تحت پیگرد و فشار نیروهای دولتی برای تخلیه آنها هستند. در این حال، ظرف دو ماه گذشته ۱۸۵ نفر در عراق در اثر انفجارات تروریستی کشته شده‌اند.

از این رو رشد ناراضیتی در جامعه عراق به راستی کسی را شگفت زده نمی‌کند. ساکنان استان نینوا که بیشتر طرفدار عراقیه هستند از تعویق در تشکیل دولت و بازگشت فرقه گرایی و خشونت نگران بوده و از بیکاری و عدم شرایط مناسب در این استان ناراحتند. در همین رابطه، مردم بغداد، کربلا و کرکوک با برپایی یک تظاهرات دست به اعتراض زدند. در یک حرکت اعتراضی دیگر، نیروهای عراقی با شلیک هوایی، اعتصاب کنندگان در مقابل پارلمان که خواستار برگزاری جلسات پارلمان شده بودند را متفرق کردند و یکی از تظاهرکنندگان را دستگیر کردند.

توافق جریان صدر از المالکی چهره کریه و مداخله جویانه رژیم ولایت فقیه را بیش از پیش در برابر چشم آنانی که مدافع استقلال و منافع ملت عراق هستند، به نمایش گذاشت. این مساله همچنان نشان داد که جریان صدر که دست پرورده رژیم سر تا پا ننگ است، در انتها بر اساس منافع طبقاتی خود عمل می‌کند. جریان صدر به دلیل مواضع ارتجاعی که انزوای آن را رقم می‌زند، به اجبار و با آگاهی بر تزلزل رژیم ولایت فقیه، در برابر فرمان آن سر تعظیم فرود آورد. باشد که تاریخ ملت محروم عراق این خواری و چاپلوسی را در سرگذشت جریان صدر از ظهور تا پایان درج نماید. حتی دولت آمریکا که از موضع منافع امپریالیستی خود با جنگ، اشغال و سپس خروج نمایشی نیروهای نظامی اش شرایط را برای دخالت‌های رژیم هموار تر کرده، به دلیل پذیرش نامزدی المالکی توسط جریان صدر، زنگ خطر را به صدا در آورده است زیرا به خوبی می‌داند که منافع آن در عراق با روی کار آمدن دوباره مالکی که به حذف دیگر جریان‌های سیاسی عراق دست خواهد زد، به خطر خواهد

شدن بسیاری دیگر از مرتجعان حاکم قرار دهد که این گاف سیاسی و فاش گویی را لو دادن دخالت‌های رژیم در مسایل عراق ارزیابی می‌کردند.

"اسامه النجیفی" از رهبران عراقیه در رابطه با این موضوع گفت: "انتخاب مالکی بدون حضور مجلس اعلاى انقلاب اسلامی و حزب فضیلت ثابت می‌کند که او صلاحیت نخست‌وزیری ندارد زیرا که نزدیکترین همپیمانانش را از دست داده است. با غیاب مجلس اعلا و حزب فضیلت، اتحاد ملی به صورت عملی خاتمه یافت و توافق بین دولت قانون و جریان صدر باعث می‌شود که مالکی امکان کسب اکثریت پارلمانی را از دست بدهد."

"عبدالکریم الخطاب"، عضو عراقیه نیز گفت: "مشکل فعلی برای همه روشن شده است و باعث اصلی تاخیر در تشکیل دولت اتحاد موسوم به ملی است."

"طارق الحمید"، سردبیر روزنامه "الشرق الاوسط" در مقاله ای پیرامون بحران انتخابات عراق نوشت: "پذیرش نخست‌وزیری مجدد نوری مالکی یعنی نابودی نظام سیاسی عراق و از دست رفتن اعتبار روند سیاسی در تمامیت آن و به این معناست که هر فرقه ای در عراق باید برای تضمین بقا، به طور مستقل حفاظت خود را تأمین کند."

وی با اشاره به نقش و توطیه رژیم ایران برای کاندیداتوری مالکی افزود: "پذیرش این موضوع می‌تواند پیامدهای منفی بسیاری در منطقه داشته باشد و اگر واکنشگتن تشکیل دولت عراق از سوی رژیم ایران را بپذیرد، چه نخست وزیر مالکی بشود یا کسی مثل او، مرتکب اشتباه بزرگی می‌شود که کمتر از اشتباه اشغال عراق نیست زیرا این امر به معنی بی‌ثباتی عراق است و نشان می‌دهد که با درگیرهای فرقه ای طولانی مدت در منطقه مواجه خواهیم بود."

در پایان مقاله الشرق الاوسط آمده است: "اگر مشاور آمریکا چلیبی بوده یا امثال او، سووال این است که آیا واکنشگتن قبول می‌کند که حامی طرح صدور انقلاب خمینی در این منطقه باشد؟"

در پی شکاف در اتحاد ملی که از پیش نیز متزلزل بود، ائتلاف عراقیه، مجلس اعلاى انقلاب اسلامی و حزب فضیلت بر اساس اینکه تشکیل دولت مقوله ای می‌باشد که به مشارکت ملی احتیاج دارد، به تفاهم رسیدند. عربستان سعودی نیز با کاندیداتوری نوری المالکی مخالفت کرد. گفته می‌شود که عراقیه، مجلس اعلا، حزب فضیلت، ائتلاف وحدت عراق، توافق عراق و لیست مسیحیان بر سر تشکیل یک جبهه واحد توافق کرده‌اند.

بعد از گذشت ماهها از انتخابات عراق هنوز هیچکدام از ائتلافها قادر نبوده‌اند با به دست آوردن اکثریت لازم، دولت آینده عراق را تشکیل دهند. تداوم بحران سیاسی و به عبارت دیگر بن بست سیاسی در تشکیل دولتی که از منافع مردم عراق دفاع کند، شرایط مناسبی را برای دخالت هرچه بیشتر رژیم ولایت فقیه جهت روی کار آوردن دار و دسته ای که منافع آن را در منطقه تأمین کند، فراهم ساخته است. این بحران هر روز ابعاد پیچیده تری به خود می‌گیرد که ادامه آن قادر است شالوده آنچه که با وجود چند دهه جنگ و پس از آن اشغال، هنوز پایدار مانده را از هم بپاشاند.

ماه گذشته یکی دیگر از نشانه های دخالت‌های رژیم ولایت فقیه در ایجاد بحران و به وجود آوردن شرایط نا امن در عراق با موافقت غیرمترقبه صدریها با نخست وزیری مالکی نمایان گشت. "اتحاد ملی" که از سوی "مقتدی صدر"، "عمار حکیم"، "عادل عبدالمهدی"، "جعفری"، "مالکی"، "چلیبی" و "هادی عامری" تشکیل شده بود و تا مدت‌های مدیدی شرط توافق بر سر دولت آینده را عدم کاندیداتوری المالکی اعلام می‌داشت، پس از موافقت صدریها با نخست وزیری مالکی با شکاف بزرگی روبرو گردید. جریان حکیم و حزب فضیلت به مخالفت شدید با اقدام صدریها و نامزدی المالکی از سوی اتحاد ملی پرداختند. از سوی دیگر، "بارزانی" از "لیست کردستان عراق" این موضوع را رد کرد، در حالی که "طالبانی" به موافقت با آن پرداخت.

به دنبال اعلام کاندیداتوری مالکی برای نخست وزیری از سوی "دولت قانون" و جریان صدر، "احمد العوانی" از رهبران "عراقیه" ابراز داشت که تیر خلاص اتحاد ملی زده شد. العوانی دلیل این ارزیابی را شقه شدن ائتلاف جمهوری اسلامی خواسته ی موسوم به "اتحاد ملی" دانست و ادامه داد که مالکی فقط کاندید جریان صدر و دولت قانون است. اگر چه همین جا باید متذکر شد که برخی از اعضای دولت قانون نیز به دلیل انزجار از مالکی با کاندیداتوری مجدد او برای پست نخست وزیری مخالفت ورزیدند. اگر چه تلاش رژیم جهت وادار کردن جریان صدر جهت موافقت با نامزدی المالکی با وجود اختلافات دیرینه این دو جریان از همان ابتدای مخالفت جریان مزبور کاملاً بدیهی و روشن بود اما تشویق و ابراز رضایت علی لاریجانی، رئیس مجلس رژیم با این توافق، به طور علنی پرده از روی دخالت‌های رژیم بیش از پیش کنار زد. او در اظهاراتی، معرفی نوری مالکی را "خردمندی مقامات عراق" نامید تا این

زنان در مسیر رهایی

اناهیتا اردوان

وضعیت زنان بی خانمان در شهر اوستین در تگزاس بغرنج است

تگزاس نیوز، ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۰ - اعضای کمیسیون حقوق بشر اوستین به اتفاق آرا به طرحی که شورای این شهر را به افزودن تختهای جدید برای زنان بی خانمان ملزم می سازد، رای دادند. از تقریباً سه هزار نفر بی خانمان حاضر در این شهر، چهار صد نفر زن بی سرپناه هستند. بر اساس گفته های خانم "لیسا شریس" فقط چهل و سه تخت برای پذیرش این زنان در پناهگاههای این منطقه موجود است. خانم شریس اظهار می دارد که تسهیلات این پناهگاهها هنوز در فقر و امکانات ویژه دهه چهل باقی مانده و بهبود نیافته است. در آن زمان شرایط کاملاً متفاوت بود و زنان مجرد کماکان نزد خانواده های خود زندگی می کردند.

بررسی وضعیت زنان بی خانمان زمانی در دستور کار قرار گرفت که "جنیفر گیل"، زن رنگین پوستی که از اعضای سابق نیروی دریایی بود، به دلیل فقر شدید، بی سرپناه شد و در دسامبر سال ۲۰۰۸ هنگام خواب در خیابان از سرما جان باخت. اینچنین بود که با بررسی موقعیت زنان بی خانمان متوجه شدند که در سر پناههایی که برای افراد بی خانمان در سطح شهر دایر است، تخت کافی برای زنان مجرد وجود ندارد. بدین ترتیب، کمیسیون حقوق بشر همراه با کمیسیون زنان با ارایه یک طرح مشترک از شورای شهر خواستند که برای این مساله به سرعت وارد عمل شوند. خانم شریس اعلام می دارد که این اولین گام برای اصلاح وضعیت زنان مجرد و بی خانمان است. خانم "الیزابت برنر"، از اعضای کمیسیون حقوق بشر این منطقه نیز اعلام می دارد که ضرورت توجه به مسایل بهداشتی همگانی به موازات گسترش معضل فقر ارتباط مبرم پیدا می کند که می بایست در دستور کار فوری برای همه شهروندان منطقه قرار بگیرد.

اعتراض همگانی زنان کارگر علیه وضعیت بد اقتصادی

اوسشیتد پرس، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۰ - "اتحادیه زنان کارگر" نیز به گروههایی که برای یک اعتراض دست جمعی علیه بیکاری و وضعیت بد اقتصادی در واشنگتن دی سی در روز دوم ماه اکتبر تلاش می کردند، پیوست. اعضای این اتحادیه به هزاران زن و مرد کارگر، تشکلهای زنان، گروههای مدافع صلح، گروههای مدافع حقوق مدنی و حقوق بشری پیوستند تا علیه وضعیت بد معیشتی، برای صلح، برابری، هشت

می دهد که همسر آنان را انتخاب کنند، به مبارزه برخاسته اند. بسیاری از زنان سعودی که دارای تحصیلات عالی دانشگاهی و مشاغلی با دستمزدهای مناسب هستند ولی خلاف میل خود هنوز مجرد باقی مانده اند، به دادگاهها شکایت برده اند تا از پدران خود به علت جلوگیری از ازدواج آنها شکایت کنند.

دادگاه در ماه جولای گذشته درخواست یک خانم پزشک چهل و دو ساله را که از دادگاه خواسته بود پدرش را وادار سازند تا اجازه دهد وی با همکار جراح خود ازدواج کند، رد کرد. پدر وی با ازدواج آنها تنها به دلیل آنکه مرد از قبیله دیگری است، مخالفت کرده و دادگاه علت رد تقاضای او را عدم مطیع بودن زن و سرپیچی از خواست پدرش از طریق تلاش برای ازدواج با کسی که او موافق نیست، اعلام کرده است.

جامعه عربستان سعودی با تناقض مشخصی روبروست از آنجهت که دختران ده ساله اجازه ازدواج کردن دارند اما پدران و یا مردان خانواده قادرند از ازدواج زنان حتی بزرگسال با توسل به دلایل کاملاً غیرمعمول جلوگیری به عمل آورند. اجازه پدر برای ازدواج دختر الزامی است اما در جامعه عربستان سعودی که تلفیقی از قوانین مذهبی و آداب و رسوم قبیله ای حاکم است، اجازه سلطه کامل بر زندگی فرزند دختر تا زمان تاهل، به پدر یا مردان دیگر خانواده داده می شود. بدین ترتیب، دستگاه قضایی کشور، ازدواج دختر بدون اجازه پدر را قانونی به حساب نمی آورد. در بسیاری از موارد، مخالفت پدر تنها به این دلیل می باشد که دخترش قصد دارد با مردی خارج از قبیله و خاندان آنان ازدواج کند که دقیقاً به مسایل اقتصادی و سیاسی مربوط می شود. به این ترتیب که دختران از دستمزد مناسبی برخوردار هستند و پدران نمی خواهند با ازدواج دختر، این کانون درآمد از قبیله بیرون برود. در شرایط دیگر چون دختر بزرگسال تر هنوز ازدواج نکرده است، پس دختر جوان تر باید تا آن زمان منتظر بماند. در بعضی موارد قول همسری دختر از اوان کودکی به مردی داده شده است. در طول شش سال گذشته، هشتاد و شش تن از اینگونه زنان شکایت خود را به مراجع عالی تر قضایی تر برده اند زیرا دادگاه خواسته آنان مبنی بر ازدواج با مردی که می خواهند را به دلیل مخالفت پدرشان رد کرده است. مدافعان حقوق زنان درخواست عاجل دارند که دستگاه قضایی عربستان سعودی باید راه گزیری برای اینگونه زنان جهت رهایی از اجازه پدران مستبد خود بیابد، درغیر این صورت بسیاری از زنان عربستان سعودی تا زمان پیری مجرد خواهند ماند.

ساعت کار با دستمزد مناسب، برابری فرصتهای اقتصادی، به طور مشترک اعتراض کنند. "کارل روزن بالت"، مدیر مسوول تنها تشکل ملی آمریکا برای اتحادیه زنان در این رابطه ابراز داشت: "ما کارگران به عنوان یک ملت در آمریکا گرد هم آمدیم تا وضعیت نامناسب کنونی کشور را تغییر دهیم." این تشکل در سال ۱۹۷۴ به عنوان یک تشکل در جنبش اتحادیه ها، تشکیل شد. روزن بالت ابراز می دارد که نزدیک به ۲۰۰ گروه خواستار عدالت، در زیر چتری از اجتماع واحد (ملت) متشکل از تشکلهای کارگری و مدافع حقوق مدنی و زنان، جهت وادار کردن دولت آمریکا به سرمایه گذاری در معضلات فوری شهروندان گرد هم آمدند.

بیست هزار نفر علیه حضور پاپ در لندن دست به اعتراض زدند

مورینینگ استار، ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۰ - برای شرکت در گردهمایی در اعتراض به پاپ بندیکس شانزدهم به خاطر آزار و اذیت جنسی روحانیون مذهبی، قریب بیست هزار نفر اعلام آمادگی کردند. "اتحادیه حقوق بشر انگلیس" اعلام کرد که معترضان با یاد کردن کاندوم و در دست گرفتن پلاکاردهایی، بانگ برخواهند آورد که "پاپ از سو استفاده و آزار و اذیت جنسی افراد روحانی حمایت می کند". اعتراضات به حضور پاپ در انگلیس زمانی اوج و شدت گرفت که کلیسای کاتولیک در برابر آزار و اذیت جنسی کودکان سکوت کرده و از تسلیم کردن پرونده هایی که این مساله را بیش از پیش آشکار می ساخت به مقامهای قضایی جلوگیری به عمل آوردند. خانم "سو" که شصت و سه سال سن دارد و خود نیز در سن ده سالگی توسط روحانیون کاتولیک مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته است، ابراز می دارد که پاپ چگونه جرات می کند سکولاریزم و ارزشهای انسانی را نفی کند؟ او اضافه می کند که از کلیسای کاتولیک به جز درد، خشم، ترس، ترور، خشونت، شرم، فریب، تحقیر و تنفر چیزی نصیبش نشده است. خبرنگار معروف انگلیسی، "جان حاری" در سخنرانی خود به تشویق و تحریک پلیس پرداخته و عنوان کرد: "یک تیهکار امروز در لندن است، او را دستگیر کنید." گفته می شود که "ریچارد داوکینز"، نویسنده کتاب "توهم خدا"، پاپ بندیکت را به دلیل دشمنی با کودکان، همجنس گرایان، زنان، علم و آموزش، "دشمن انسانیت" خطاب کرد.

مبارزه زنان سعودی برای کنترل تاهل

زاوا، ۲ اکتبر ۲۰۱۰ - زنان کشور عربستان سعودی علیه سنتی که با آنان مانند برده و گروگان رفتار می کند و به پدران و مردان خانواده آنان حق مسلم

قاچاق دختران نوجوان نیجریه ای به ساحل عاج

فاکس نیوز، ۲۷ آگوست ۲۰۱۰ - بر اساس گزارش سازمانهای حقوق بشری، شمار قابل توجه از زنان و دختران نیجریه ای با وعده ی رسیدن به زندگی بهتر از کشور خود به ساحل عاج قاچاق شده و در آنجا به تن فروشی وادار شده اند. این سازمانها از دولتهای دو کشور یاد شده خواسته اند که شبکه قاچاق انسان را بین دو کشور شناسایی کرده و از بین ببرند. گفتگو با قربانیان، بردگی در دنیای مدرن را به نمایش می گذارد و نشان می دهد که آنان برای رسیدن به زندگی بهتر فریب خورده و به دام شبکه های قاچاق انسان و سکس گرفتار آمده اند.

یک زن ۲۷ ساله نیجریه ای در این رابطه می گوید که وی شش سال پیش کشورش را برای رسیدن به موقعیت بهتر با پیشنهاد زن دیگری که به او قول استخدام در کارخانه را داد، ترک کرد. او اظهار می دارد که بعد از گذشت فقط دو روز، آن زن به وی مقدار زیادی کاندوم داد. قربانیان استثمار جنسی دیگر نیز ابراز می دارند که به آنها گفته شده که در ساحل عاج به مشاغلی همچون آرایشگری، خیاطی و مشاغل دیگر مشغول خواهند شد اما همگی آنان بعد از گذشت تنها دو روز مجبور به تن فروشی گشته اند. هیچکدام از آنها از وضعیتی که دارد، راضی نیست. قربانیان به دلیل ترس و مسایل امنیتی قادر به رهایی یافتن از این شرایط سخت نیستند. تحقیقات نیز در این رابطه نشان می دهد که بسیاری از این زنان با قول زندگی بهتر از سوی افرادی سودجو، فریب خورده و سپس مجبور به تن فروشی در شرایط بسیار بغرنجی می شوند. گزارش یاد شده در این رابطه اضافه می کند که این زنان بعد از گذشت چند روز از سکونت در ساحل عاج، با تن فروشی درگیر می شوند. به آنان گفته می شود که باید خرج سفر خود که بین سه تا چهار هزار دلار است را بپردازند در صورتیکه سفر از نیجریه به ساحل عاج فقط دویست دلار هزینه دارد. همه زنان قربانی به داشتن آمیزش جنسی اجباری روزانه با ۱۵ تا ۳۰ مرد وادار می گردند. قیمت هر ملاقات به پول آمریکا دو دلار می باشد که برابر با ۱۰۰۰ "فراس" ساحل عاج است.

به گزارش مدافعان حقوق بشر، اولیای امور ساحل عاج نیز به آن میزان که سوداگری و معضل "کودکان کار" را در دستور کار قرار داده اند، به مساله قاچاق زنان نپرداخته اند. افزوده بر این، بر اساس گزارش سفارت این کشور، معضل قاچاق زنان نیجریه ای به این منطقه در حال گسترش است. دیدبان حقوق بشر از دولت ساحل عاج خواسته است که پروتکل سازمان ملل علیه قاچاق انسان را امضا کند و با تصویب قانونی در کشور، اولین گام جهت برخورد با پدیده قاچاق زنان را به پیش بردارد.

تجاوز و اعدام آنان را در دستور کار روزانه دارد، بی اعتبار شده است.

جایزه "اکو" برای بهترین‌های موسیقی کلاسیک

در شانزدهمین سال اعطای جایزه "اکو" به بهترین آثار و شخصیتها در عرصه موسیقی کلاسیک، چهره‌های جوان زیادی در میان برندگان دیده می‌شوند. یک رهبر ارکستر فعال در عرصه اجتماعی و سریع‌ترین ویولون‌زن جهان از این جمله هستند.

هنرمندانی چون "لانگ لانگ" ۲۸ ساله که به "پیانو نواز سال" شهرت یافته است و "دیوید گارت"، ویولون‌نواز ۳۰ ساله از برندگان این جایزه هستند. "نیویورک تایمز"، لانگ لانگ را در سال ۲۰۰۷ "داغ‌ترین هنرمند در سیاره موسیقی کلاسیک" لقب داد. بلیطهای کنسرت‌های لانگ لانگ در سراسر جهان به طور کامل فروش می‌روند.

آلبوم "کلاسیک رومانس" دیوید گارت نیز که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد، وی را به عنوان سریع‌ترین ویولون‌نواز جهان کرد. این آلبوم برنده امسال جایزه "اکو" در بخش "پرفروش‌ترین آلبوم سال" است.

"کورت مازور"، رهبر ارکستر ۸۳ ساله آلمانی نیز جایزه "دست‌آورد زندگی" اکو را به خاطر چند دهه فعالیت فوق‌العاده در عرصه موسیقی و نیز در زمینه اجتماعی دریافت خواهد کرد.

مازور در ده سال اخیر سمت رهبری ارکستر ملی فرانسه در پاریس و نیز فیلامونی لندن را بر عهده داشته است. وی پیش از آن رهبر فیلامونی نیویورک بود.

مازور در هفته جاری در مصاحبه با هفته‌نامه آلمانی "اشپیگل" پیرامون وحدت دو آلمان گفت: "روح آن روزها از دست رفته است. در حقیقت برای بسیاری از مردم آلمان، وحدت دو کشور بیشتر به معنای تحمل رنج بود تا بردن گنج".

"سال خون"، آلبوم جدید شاهین نجفی

شاهین نجفی به‌زودی جدیدترین آلبوم خود را با نام "سال خون" منتشر خواهد کرد. او در سال ۱۳۸۴ به آلمان مهاجرت کرد و تاکنون به فعالیت خود در موسیقیهای رپ و راک ادامه داده است. شاهین نجفی متولد ۱۳۵۹ در بندر انزلی است و هم‌اکنون در آلمان زندگی می‌کند. در ترانه‌های شاهین نجفی، آمیزه‌ای از اعتراض به حکومت و پرداخت به نگاه ضدزن، سانسور، اعدام و ... را می‌توان دید. وی از ابتدای سال ۲۰۱۰ گروه "آنتی کاریزما" را تشکیل داده است. این گروه سبک‌های راک و بلوز را دنبال می‌کند و اعضای آن شاهین نجفی، بابک خزایی، آرمین مستعد و پژمان افشاری هستند.

بقیه در صفحه ۱۷

ایرانی است، می‌گوید: "ایشان پیشکسوت من و بسیاری از هنرمندان ایران زمین است و بخش بزرگی از هنر ایران زمین به ایشان مدیون است." ناظری با اشاره به سکوت خبری خود گفت: "اجازه دهید من دیگر حرفی نزنم زیرا من حرفهایم را با موسیقی خود بیان می‌کنم و دیگر نیازی به ایجاد سوو تفاهم‌های بیشتر نمی‌بینم." ناظری افزود: "طبق قرار قبلی قرار بود که هفته اول مهرماه در تالار بزرگ کشور کنسرت برگزار کنم اما متأسفانه مسوولان وزارت ارشاد و کشور از در اختیار قرار دادن این تالار طفره رفته و در حالی که بهترین تالارها را در کشورهای دیگر در اختیار من قرار می‌دهند، متأسفانه در کشور خودم زمین بازی تنیس را برای کنسرتی مردمی به من پیشنهاد می‌دهند".

احتمال ممنوعیت اجرای کنسرت بانوان در تالار وحدت

در پی تصویب قانون جدیدی در بنیاد رودکی مبنی بر دریافت مجوز اجرا در تالار وحدت از سوی شورای در این تالار و پس از اعتراض هنرمندان، شورای انتخاب این تالار تشکیل جلسه داد اما در همین جلسه مقرر شد برای اجرا در تالار وحدت تنها سیستم ارزش‌گذاری وزارت ارشاد اعمال شود اما فعلاً بانوان حق اجرای هیچ کنسرتی در این تالار ندارند.

علیرضا افتخاری می‌گوید موهای دخترش را کشیده‌اند

خواننده دولتی، علی رضا افتخاری در مصاحبه ای که به صورت زنده پخش می‌شد گفت: "من در برنامه ای به رسم ادب به رییس جمهور عزیزمان ادای احترام کردم. از آن زمان به بعد، من و خانواده ام به وسیله تماس‌های تلفنی مورد اذیت و آزار قرار گرفتیم".

وی در ادامه با ذکر این نکته که "ما همه باید در یک مسیر باشیم"، به حالت بغض گفت: "در دانشگاه موهای دختر مرا کشیده‌اند و به وی توهین کرده‌اند در حالی که او یک استاد دانشگاه است".

این اولین بار نیست که وی برای خودشیرینی در دستگاه حکومتی که منقر مردم ایران است، مظلوم نمایی می‌کند. وبگاه "تابناک"، متعلق به محسن رضایی در باره عادت وی به داستانسرایزی از نامه ای یاد می‌کند که به درخواست و اصرار او منتشر کرده و سپس بعد از ۷۲ ساعت، آقای افتخاری نوشتن چنین نامه ای و درخواست خود از این سایت برای انتشار آن را تکذیب می‌کند.

وی به چوپان دروغگویی تبدیل شده است که دیگر کسی حرفها و ادعاهای وی را باور ندارد. اگر چه وی پیشتر با چاپلوسی از رییس حکومتی که نه تنها کشیدن موی زنان بلکه، شکنجه، قتل،

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- آه.. آفریننده جهان! یک ساعت زندگی بیشتر به ما ببخش تا هنرمند باشیم، تا زندگی خود را تکمیل کنیم

جیم موریسون: خواننده آمریکایی و رهبر گروه "the Doors" (۱۹۷۱-۱۹۴۳)

- هنر یا دزدی ادبی است یا انقلابی

پال گوگن، نقاش، مجسمه ساز، سفالگر و نویسنده فرانسوی (۱۹۰۳-۱۸۴۸)

تبعید آوای مرضیه، شور و شیدایی او به آزادگی، شورش او بر نظام زن ستیز جمهوری اسلامی، جسارت حضور و پایداری او در صف مبارزه سازمان یافته سیاسی، نماد شکوهمندی است از تلاش زنان هنرمند میهنمان در ستیزی انسانی و بشر دوستانه در مسیر رهایی.

موفقیتی دیگر برای هنرمندان "گروه موسیقی پویا"

شنبه شب، ۹ اکتبر، هنردوستان سویسی و ایرانی در سالن "اکتوبن"، بزرگترین سالن موسیقی شهر لوزان سوییس شاهد درخشش و موفقیت هنرمندان ایرانی گروه موسیقی و رقص پویا بودند. تمامی پانصد بلیط کنسرت چهار روز پیش از اجرای آن به فروش رسیده بود. ایرانیان بسیاری از شهرهای مختلف سوییس برای دیدن این کنسرت راهی شهر لوزان شده بودند. بیشترین تماشاگران این برنامه را هنردوستان سویسی تشکیل می‌دادند.

گروه پویا متشکل از ده هنرمند ایرانی و سه هنرمند زن از کشورهای تونس، الجزایر و لبنان، قطعات پرشوری از موسیقی کردی و عرفانی ایران را اجرا کردند که با استقبال فراوان تماشاگران روبرو شد.

گروه موسیقی پویا شامل عباس بختیاری (آواز و سازهای کوبه ای)، آرش مرادی (تنبور و دف)، محمدعلی مرادی (کمانچه، آواز و دف)، سردار محمدجانی (عود و دف)، نوید سعیدی (تار)، مهدی بحری (سنتور)، آرش شمالی (تنبک) و شاناز لوراتی (دف) است که همراه با رقص آوا فرهنگ، سحر دهقان و نوال راد در این شب به هنرنمایی پرداختند.

کارشکنی وزارت ارشاد در اجرای کنسرت شهرام ناظری

شهرام ناظری با بیان اینکه محمدرضا شجریان، یک پیشکسوت، یک استاد بزرگ و به حق یک استننا در موسیقی

موسیقی

بانوی آواز ایران در گذشت

مرضیه روز ۲۱ مهر در بیمارستانی در پاریس چشم بر جهان فرو بست. مرضیه خواننده محبوب چندین نسل در ایران بود و آوازه ای جهانی نیز داشت. او از خود بیش از هزار ترانه به یادگار گذاشت که رهاورد زندگی پربار هنر او می‌باشد.

پس از قیام، مرضیه مانند دیگر خوانندگان زن با ممنوعیت ادامه فعالیت روبرو شد. حکومت دینی، شنیدن صدای زنان را حرام و آوازخوانی آنان را غیراخلاقی و ترویج دهنده فساد معرفی می‌کرد. وی در سال ۱۳۷۳ از ایران خارج شده و از موضع اعتراض به حکومت ایران، از فرانسه تقاضای پناهندگی سیاسی کرد.

بانوی آواز ایران، در خارج از کشور به صف اپوزوسیون رژیم جمهوری اسلامی پیوست و با این حرکت نشان داد هنگامی که میهن در پنجه استبداد گرفتار است، هنر و هنرمند نمی‌تواند بیطرف باشد. او دفاع از مردمی را انتخاب کرد که به آنان عشق می‌ورزید و سراسر زندگی اش را نغمه خوان، در برابر آنها زیسته بود.

مرضیه آنچنان که خود گفته بود، "همیشه برای عشق خواند، همیشه". مهر او به میهن و مردم، شجاعت او در یکی از سیاه‌ترین لحظات تاریخ ایران نیز یادمانی همیشگی است. (به نقل از رادیو پیشگام - گردآورنده: فرنگیس باقره)

پیام جشنواره سینمای در تبعید - سوئد به مناسبت درگذشت مرضیه

در بخشهایی از این پیام آمده است: مرضیه، خاتون جهان آواز ایران، سالهای بی در پی در امتداد ذهن زمانه ی ما با صدای سحر آمیز، به وسعت وطن در بندمان، در پاره پاره های جان های سوخته در

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۶

قلم و ادبیات

ناگفته های نلسون ماندلا در کتاب خاطرات وی منتشر شد

کتاب تازه ای از نلسون ماندلا به نام "گفتگو با خود"، حاوی یادداشت‌های شخصی و نامه نگاری‌های او با مقدمه ای از باراک اوباما، رییس جمهور آمریکا به چاپ رسیده است. نلسون ماندلا در کتاب خاطراتش از برخی جنبه های زندگی پرده برداشته است. برخی ناگفته های ماندلا در این کتاب حاکی از آن است که ماندلای جوان یک فرد مسالمت جو و مخالف خشونت، همچون گاندی نبود. وی برای اولین بار در کتاب خاطرات خود به این نکته اشاره کرده که اولین دسته از چریک‌هایی که در آفریقای جنوبی علیه سیستم آپارتاید مبارزه می کردند، از نمایندگان جبهه آزادیبخش الجزایر بودند که به صورت مخفی وارد آفریقای جنوبی شده بودند و آموزش نظامی دریافت کردند. این کتاب به ۲۰ زبان ترجمه شده است.

ماریو وارگاس یوسا، برنده جایزه نوبل ادبیات

ماریو وارگاس یوسا، نویسنده سرشناس پرویی-اسپانیایی به عنوان برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۲۰۱۰ معرفی شد. آکادمی سوئدی نوبل از "نحوه به تصویر کشیدن ساختار قدرت" و "تصاویر شفاف از مقاومتها، طغیانها و شکستهای شخصی" در آثار وارگاس یوسا تجلیل کرد.

وارگاس یوسا ۷۴ ساله یکی از تحسین شده ترین نویسندگان اسپانیایی زبان است که تاکنون بیش از ۳۰ رمان، نمایشنامه و مقاله از او منتشر شده است. وی پس از گابریل گارسیا مارکز که در سال ۱۹۸۲ برنده جایزه نوبل ادبیات شد، نخستین نویسنده آمریکای جنوبی است که این جایزه را به خود اختصاص می دهد.

احمد زیدآبادی به عنوان برنده جایزه "قلم زرین آزادی" معرفی شد

"انجمن جهانی روزنامه نگاران و ناشران"، جایزه معتبر روزنامه نگاری قلم زرین آزادی سال ۲۰۱۰ این انجمن را به احمد زیدآبادی، روزنامه نگار زندانی اهدا می کند.

قلم زرین آزادی انجمن جهانی روزنامه نگاران و ناشران خبر، جایزه روزنامه نگاری بین المللی است که از سال ۱۹۶۱ تاکنون سالانه به فرد یا

سازمانی تعلق می گیرد که نقش برجسته ای در دفاع از آزادی مطبوعات و ترویج آن داشته است.

گزارشگران بدون مرز: وضعیت رسانه ها در ایران وخیم است

سازمان بین المللی گزارشگران بدون مرز" در رده بندی تازه خود از وضعیت آزادی نشر و بیان در کشورهای جهان، ایران را در مقام ۱۷۵ قرار داد. در جهان تنها سه کشور (کره شمالی، ترکمنستان و اریتره) هستند که وضعیت آزادی عقیده و بیان در آنها از ایران وخیم تر است.

بنا به گزارش این نهاد بی طرف، در طول سال گذشته تا سپتامبر ۲۰۱۰، جمهوری اسلامی از نظر فعالیت رسانه ای یکی از بدترین کشورهای جهان بوده است.

بازداشت روزنامه نگاران، بستن یا تعلیق فعالیت نشریات، بازداشت و مجازات دست اندکاران رسانه ها از جمله ویلاگ نویسان، فیلتر کردن سایتیهای اینترنتی از جمله سایتیهای متعلق به برخی از مراجع تقلید شیعه، فشار بر خبرنگاران خارجی و اخراج آنها از کشور در شمار دلایل این نهاد است.

"گزارشگران بدون مرز" در آخرین بیلان از وضعیت رسانه های جمعی در جهان، رتبه های اول تا دهم را از آن کشورهای اروپایی دانسته است.

تازه ترین جدول رده بندی نشان می دهد که برخلاف انتظار، در برخی از کشورهای اروپایی نیز آزادی رسانه های جمعی در وضعی ناهنجار قرار دارد. کشورهای ایتالیا، یونان، بلغارستان و رومانی کاستیهای جدی نشان می دهند.

جایزه صلح نمایشگاه کتاب فرانکفورت برای نویسنده اسرائیلی

"نمایشگاه بین المللی کتاب" در فرانکفورت، "جایزه صلح" امسال را به "داوید گروسمن"، نویسنده اسرائیلی اهدا کرد.

هیات ژوری با اهدای "جایزه صلح" از تلاشهای داوید گروسمن در راه آشتی میان اسرائیل و فلسطینیها تقدیر کرد. در تقدیرنامه گفته می شود: "گروسمن



تصمیم گرفت بخشی از مکانیسم نفرت جویی و انتقام کشی نباشد و در راه صلح و دوستی گام بردارد." داوید گروسمن در دهها داستان و نمایشنامه و گزارش از برقراری صلح در خاورمیانه دفاع کرده است.

داوید گروسمن که از تشکیل دو دولت مستقل دفاع کرده است، در نطق سیاسیگزارای خود گفت: "آرزو می کنم که کشورم اسرائیل این توانایی را بیابد که تاریخ خود را از نو بنویسد."

وی گفت: "اسرائیل باید بیاموزد که با گذشته خود به نحو دیگری روبرو شود و خود را به گونه ای دیگر برای جهان تعریف کند."

پسر جوان گروسمن در جریان جنگ جنوب لبنان بر اثر اصابت راکت حزب الله جان خود از دست داد. گروسمن ماجرای قتل پسر خود را در کتاب "زنی که از خبر فرار می کرد" بازگو کرده است.

گروسمن در مراسم دریافت "جایزه صلح" در فرانکفورت گفت: "از صمیم قلب آرزو می کنم که فلسطینیها، پس از چندین نسل سرکوب و آوارگی سرانجام با عزت و سربلندی در کشور مستقل خود زندگی کنند."

گران ترین کتاب جهان به فروشی گذاشته می شود

یک نسخه کم نظیر از نقاشیهای "جان جیمز آدوبون" با نام "پرندگان آمریکا"، که به عنوان گرانترین کتاب نقاشی جهان به ثبت رسیده، برای فروش در حراجی ساتبی ارایه شده است.

در حال حاضر فقط ۱۱۹ نسخه کامل از این کتاب چاپ قرن نوزدهم موجود است که از این تعداد ۱۰۸ کتاب متعلق به موزه ها و کتابخانه هاست.

نسخه دیگری از این کتاب نقاشی، یک دهه قبل، هشت میلیون و ۸۰۰ هزار دلار به فروش رسید که رکورد فروش



کتابیهای از این قبیل را به خود اختصاص داد.

کتاب مذکور حاوی هزار نقاشی در ابعاد واقعی بیش از ۵۰۰ گونه از پرندگان وحشی است. او برای این کار به سراسر آمریکا سفر کرد و روش کارش هم به این ترتیب بود که بعد از شکار پرندگان، آنها را با یک سیم نازک آویزان کرده و سپس منساهدانش را نقاشی می کرد.

سینما

حنا مخملباف در حاشیه سفر احمدی نژاد به لبنان

حنا مخملباف پس از آنکه مقامات دولت لبنان، از مسوولان جشنواره بین المللی فیلم بیروت خواستند از نمایش فیلم "روزهای سبز" ساخته وی به خاطر سفر احمدی به این کشور صرف نظر کنند، با انتشار یک نامه سرگشاده خطاب به لبنانیها گفت: "قصد احمدی نژاد یاری به شما نیست، همانگونه که قصدش خدمت به ایران نبود. فریاد عدالت خواهانه اش برای ایرانیان حاصلی جز فقر و زندان و شکنجه و تجاوز زیر نام خدا نداشت و فریاد او علیه اسرائیل تنها عوام فریبی در جهان اسلام است و برای سرزمین شما جز جنگ ارمغانی ندارد. او از سرزمین شما چون خاکریز اول جنگ خیالی اش استفاده می کند. کمک ناچیز او پول خون روح بزرگ جوانان شماست"

او پس از آن کسانی را که "سینما دوستان لبنانی" نامیده مخاطب خود قرار داده و گفته است:

"احمدی نژاد دیروز رای ما را دزدید و امروز اعتماد شما را"

مخملباف تاکید کرده است: "احمدی نژاد در سرزمین من سمبل سانسور است. بنگرید او هنوز به سرزمین شما نیامده سانسور را به ارمغان آورده است."

گردش مالی "قهوه تلخ" چند برابر بودجه فرهنگی کل کشور

مجموعه ی "قهوه تلخ" که ابتدا قرار بود در تلویزیون پخش شود و به دلایل متناقضی که چندین بار اعلام شد، پخش نگردید، پس از آنکه در سراسر کشور با تبلیغات بسیار وسیع به بازار آمد، در نخستین روز پخش ۵۰۰ هزار نسخه فروخته است.

این مجموعه به صورت "تک دی وی دی" یا "سه سی دی" عرضه شده و قیمت آن هم ۲۵۰۰ تومان است. بنابراین، فروش یک روز این مجموعه دقیقاً برابر است با یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان. گفته می شود، تیراژ پخش این مجموعه در هر فصل به دو میلیون نسخه خواهد رسید. نتیجه آنکه دو میلیون ضرب در ۲۵۰۰ تومان مساوی است با پنج میلیارد تومان. میزان گردش مالی کل این مجموعه با بودجه فرهنگی کل یک استان مقایسه شده است.

مستند داستانی آرمادیلو؛ بازی جنگ در افغانستان

"آرمادیلو" به کارگردانی "یانوش متر"، فیلم مستند تکان دهنده ای بقیه در صفحه ۱۸

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۷

درباره جنگ در افغانستان است که در پنجاه و چهارمین جشنواره بین المللی فیلم لندن به نمایش درآمد و مورد استقبال تماشاگران و منتقدان واقع شد.

آرمادیلو نام اردوگاه نظامی مشترک نیروهای دانمارکی و بریتانیایی در افغانستان است که متشکل از ۱۷۰ نفر است.

یانوش متز، فیلمساز دانمارکی در این فیلم مستند داستانی، گروهی از سربازان جوان و داوطلب دانمارکی را از خانه های گرم و نرم و مهمانیهای شبانه شان در کپنهاک تا بیابانها و کوهستانهای پرخطر افغانستان دنبال می کند. آنها باید مدت شش ماه در پایگاه نظامی آرمادیلو بمانند و به پاکسازی منطقه از نیروهای طالبان بپردازند.

فیلمساز نشان می دهد که ارتش دانمارک، با وجود مسلح بودن به جنگ افزارهای مدرن، هواپیما و هلی کوپتر، تانک و دوربینهای دید در شب، تا چه اندازه در برابر نیرویی که منطقه را مثل کف دست خود می شناسد و می داند چه موقع و کجا حمله کند که بیشترین ضربه را بزند و کمترین ضربه را بخورد، آسیب پذیر است.

جایزه ای برای تقدیر از مورگان فریمن ستاره هالیوود

"مورگان فریمن" جایزه یک عمر دستاورد هنری را از موسسه فیلم آمریکا (AFI) دریافت می کند. "هوارد استرینگر"، رییس هیات امنای "موسسه فیلم آمریکا" در ستایش از این بازیگر نامی هالیوود گفته است: "مورگان فریمن برای سینمای آمریکا یک گنج است. او چه در نقش یک زندانی و چه در نقش رییس جمهور یا خدا، در عین آرامش، قدرت و اقتدار را القا می کند."

آقای استرینگر همچنین بر صدای گیرا و پرطنین



فریمن تاکید کرد.

مورگان فریمن در سال ۱۹۳۷ در ممفیس (ایالت تنسی) به دنیا آمد. او مدتی به عنوان مکانیک برای نیروی هوایی آمریکا کار می کرد.

فیلم "رانندگی برای خانم دیزی" بود که وی را به شهرت جهانی رساند و نخستین جایزه "گلدن گلوب" و دومین نامزدی اسکار را به او متعلق کرد.

بازی فریمن در نقش نلسون ماندلا، رییس جمهوری پیشین آفریقای جنوبی در فیلم "شکستناپذیر"، شخصیت یکی از رهبران بزرگ قرن بیستم را در سینما ماندگار کرد.

او پس از سیدنی پواتیه که در سال ۱۹۹۲ این جایزه را گرفت، دومین بازیگر سیاه پوست است که آن را دریافت می کند.

این جایزه را پیش از این "جک نیکلسون"، "استیون اسپیلبرگ"، "باربارا استریسند"، "الیزابت تیلور"، "الفرد هیچکاک" و "مارتین اسکورسیزی" نیز دریافت کرده اند.

احمدی نژاد در پی بحران افروزی در لبنان

جعفر پویه

فراسوی خبر ۲۳ مهر

احمدی نژاد، گماشته رهبر و ولی فقیه رژیم جمهوری برای صدور بحرانی که سر تا پای رژیم را در بر گرفته در لبنان به سر می برد. فروپاشی بازار ارز و در آستانه یک بحران همه جانبه اقتصادی قرار گرفتن رژیم باعث شده است که رژیم بحران زا و بحران زی راه چاره را صدور بحران بیابد.

سفر احمدی نژاد به لبنان از یک طرف نمایش حمایت از سازمان دست ساز رژیم در آن کشور یعنی حزب الله است و از سوی دیگری، مخالفت با مذاکره صلح سازمانهای فلسطینی با اسرائیل برآورد می شود. تلاش احمدی نژاد برای برپایی یک بحران بین المللی به دلیل نیاز رژیم به فرار از زیر بار بحران داخلی باعث می شود تا او با بدترین جملات و کلمات لومپنی طرفهای بین المللی را خطاب قرار دهد. یک بحران خارجی بزرگ می تواند این فرصت را برای رژیم فراهم کند تا به سرکوب گسترده و همه جانبه داخلی پرداخته و مشکلاتی که همچون درد بی درمان به جانش افتاده را توجیه کند.

مرز لبنان با اسرائیل را همچون مرز رژیم جمهوری اسلامی با آن کشور نامیدن، نقش مزدوری حزب الله و دارو دسته های اجیر شده و نیز مجری فرامین و خواسته های رژیم بودن آنها بیان می کند. هم مرز شدن رژیم با اسرائیل، به مدد بزل و بخششهای میلیاردری رژیم ولایت فقیه به حزب الله برای بازسازی مناطق جنگ زده با اسرائیل به ویژه در شهرک مرزی بیت جبیل به دست آمده و این فرصت را برای احمدی نژاد فراهم کرده است تا در نزدیکی مرز اسرائیل به سخنرانی بپردازد و مواضع ارتجاعی خود را تکرار کند. اینکار اگر از یکسو می تواند نظر توده های روستایی لبنانی منطقه را جلب کند از سوی دیگر، شاخ شانه کشیدن و تهدید به جنگ مستقیم با اسرائیل برآورد می شود.

جست و خیز تحریک امیز گماشته ولی فقیه با هدف برافروختن آتش فتنه چیزی جز نیاز رژیم به یک بحران بین المللی برای تسلط بر اوضاع متزلزل داخلی نیست. اگر از یک سو درگیری بانددهای رژیم به مرحله ای رسیده است که هر آن بیم رویارویی بزرگ تری بین آنها می رود و بحرانهای فزاینده اقتصادی و اجتماعی نیز می رود تا مردم کارد به استخوان رسیده را روانه خیابانها کند، تلاش رژیم برای چاره جویی احمدی نژاد را روانه لبنان می کند تا با ادبیات لومپنی این نیاز را برآورده کند و با نا امن کردن منطقه و برافروختن آتش فتنه و درگیری، راه و روزنه ای برای فرار رژیم بیابد.

همچنین بحرانهای بین المللی همچون تحریمهای گسترده و عدم اقبال کشورهای عضو گروه ۱+۵ به مذاکره با رژیم و دست رد اوباما به احمدی نژاد برای مذاکره مخفی در نیویورک باعث شده است که شامه رژیم نسبت به یک تصمیم قاطع بین المللی برای مقابله با خود به کار افتد. به همین دلیل، نمایش قدرت با نیروهای اجاره ای و سازمان داده شده و تهدید به بحران افروزی می تواند شاخ شانه کشیدن رژیم برای جامعه بین المللی ارزیابی شود.

هرچند هر دوی این گمانه ها جدا از یکدیگر نیستند؛ اما در تقدم بحران داخلی بر بحران بین المللی و یا برعکس و اهمیت آنها برای رژیم و طرفهای مقابل می تواند نوع نگاه به این بحرانهای و عکس العمل لازم در مورد آنها را توضیح دهد.

چرا جمهوری اسلامی حرف تازه ای برای ۵+۱ ندارد؟

منصور امان

فراسوی خبر ۱۹ مهر

دروغ آماتوری وزیر خارجه رژیم مَلاها در باره مذاکره با گروه ۵+۱ را فقط به طور مشروط می توان ادامه شگرد همیشگی جمهوری اسلامی در برخورد به بحران هسته ای خود و طرف حسابهای خارجی آن دانست؛ روشی که دروغ زنی، رفتار کج و معوج و جر زنی اصول گسست ناپذیر آن را تشکیل می دهد.

آقای مُتکی روز آدینه نه فقط از شال کمر یک تقویم علامت خورده پیرامون گُفتگو با ۵+۱ را بیرون کشید بلکه، باز هم جلو تر رفت و پُشت گیوه صاف کرد که با طرفهای مذاکره در این مورد "در حال بررسی و رایزنی" است.

بدون فوت وقت، مخاطبان بی اطلاع، چک بی محل وزیر خارجه مَلاها را به همراه چند توصیه اخلاقی به درس وی باز فرستادند. سَخنگوی خانم اشتون، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی لیخند زنان گفت: "این گُفته ها برای ما جدید است" و آقای کراولی، سَخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز پیشنهاد داد مسوولان جمهوری اسلامی از "تلفن" برای تعیین قرار استفاده کنند.

علت شناخته شده طفره روی جمهوری اسلامی از نشستن دور میز مذاکره بر سر برنامه هسته ای خود، موضوعاتی است که روی آن قرار گرفته و از مَصوبات شورای امنیت در باره توقف غنی سازی و بازرسی از تاسیسات آشکار و مخفی هسته ای تا ماهیت نظامی پروژه اتمی آن را در بر می گیرد. برخلاف گذشته در هیچیک از این موارد، میدان مانور اطمینان بخش و زمان آفرینی برای "نظام" باقی نمانده است.

تحریمهای فلج کننده ای که برای جلوگیری از نازل شدن آن آیت الله خامنه ای و همدستانش روی پیشخوان "نظام" پیچ و تاب گفتاری و رفتاری می خوردند، اکنون به وضعیت جاری تبدیل شده است. این امر به طور بدیهی چارچوب گفتگوها و درونمایه موضوعهای آن را نیز به زبان موضع طرف زیر ضرب تغییر داده است؛ امری که اشتیاق جمهوری اسلامی برای مذاکره را به گونه جدی کاهش می دهد.

مساله بازدارنده دیگر، جنگ قُدرت داغی است که در باند حاکم جریان دارد و دامنه آن اکنون به حوزه سیاست خارجی نیز گسترش یافته است. اینکه چه کسی، از چه کانالی و بر سر چه موضعی با طرف یا طرفهای خارجی "فالوده" بخورد، در کشاکش مزبور به مثابه وزنه ای که به تغییر توازن می انجامد، ارزیابی می شود و به همین گونه نیز عمل می کند. از این رو، هر بند دستور کار در این پهنه، زمین بارآوری برای سر برون کشیدن درگیریهایی تازه و سخت تری است که در عمل، اجازه تصمیم گیری یا مُدیریت آن را نیز فقط در سطح حداقلها خواهد داد.

بدون تعیین تکلیف به سود یکی از نیروهایی که در حال خشتی کردن یکدیگر هستند، رژیم جمهوری اسلامی چه پُشت میز مذاکره و چه اطراف آن حرف دیگری جُز از آن دست که آقای مُتکی تحویل داد، برای ۵+۱ نمی تواند داشته باشد.

دستگیری وکلا، تکمیل رویه های معمول دستگاه امنیتی - قضایی

دخالت ولی فقیه در مشاجره دانشگاه آزاد به نفع احمدی نژاد

زینت میرهاشمی

منصور امان

مجتهد بر شرعی بودن این امر تاکید دارند و: «فکر نمی کنم خداوند اجازه دهد کسی این وقف را به هم بزند. اگر کسی این کار را کرد، خداوند از او قوی تر است و وقف را بر می گرداند.»
خامنه ای با موضع گیری اش در این دعوا بار دیگر نشان داد که این اوست که احکام شرع و حکومت را تعیین می کند و اوست که خود را تنها نماینده خدا بر روی زمین می داند. از طرف دیگر مداخله ولی فقیه بر پوچی همه نظرات که برای ترمیم نظام مدعی عدم شکاف در رژیم هستند خط بطلان کشید.

فراسوی خبر... ۲۰ مهر
هنوز یک ماه از آخرین توصیه های هاشمی رفسنجانی به اعضای مجلس خبرگان برای به کار انداختن مسئولیتشان در «تزریق وحدت» نگذشته که خامنه ای روز ۱۹ مهر، در دعوی هیات موسس دانشگاه آزاد اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست احمدی نژاد، علیه تصمیم رفسنجانی و به نفع احمدی نژاد حکم صادر کرد. موضع خامنه ای بار دیگر بر تلاشهای رفسنجانی برای تقسیم قدرت و وحدت پیرامون ولایت فقیه خط بطلان کشید. رفسنجانی در جلسه مجلس خبرگان روز ۲۳ شهریور، با جدا کردن حساب خامنه ای از اطرافیان او، دست دوستی و نوازش به طرف ولی فقیه دراز کرد. خامنه ای در پاسخ به محبت رفسنجانی، بازم شمشیر را از رو بست و علیه

فراسوی خبر ۲۵ مهر
نگرانیهای پیرامون سلامتی و شرایطی که وکیل زندانی، خانم نسرين ستوده تحت آن بسر می برد، افزایش یافته است. روز گذشته (شنبه) مسوولان دستگاه قضایی بار دیگر مانع دیدار وکیل خانم ستوده با وی شدند. این در حالی است که گزارشاتی مبنی بر شکنجه فیزیکی و روانی این فعال حقوق زنان منتشر شده است.
خانم نسرين ستوده در ۱۳ شهریور به اتهام ارتکاب جرایمی که دستگاه امنیتی - قضایی جمهوری اسلامی به طور کلیشه ای به مخالفان و منتقدانش ایراد می کند، دستگیر و به سلول انفرادی افکنده شد. او از بیست و دو روز پیش در اعتراض به شرایط غیر انسانی بازداشت و پایمالی حقوق خود، دست به اعتصاب غذا زده است. اسارت وکیل مدافع شماری از بازداشت شدگان خیزش اخیر، در ادامه تلاش دستگاه سرکوب برای گسترش حاشیه امنیتی خود و برخورداری از دست باز بیشتر در خفه کردن صدای قربانیان صورت می گیرد. در اردیبهشت سال جاری آقای محمد اولیایی فرد، به دلیل پذیرفتن وکالت چند زندانی سیاسی و پایبندی به شرافت حرفه ای خود به زندان افتاد.



رئیس مجلس خبرگان حکم صادر کرد. رفسنجانی در ۲۳ شهریور گفته بود که «نباید هر کاری کنیم و بعد القا کنیم که به نام رهبری است.» و این بار «رهبری» با صدای بلند رفسنجانی را بر سر جای خود نشاند.

رفسنجانی در تایید وقف اموال دانشگاه آزاد در بیانیه خود به تاریخ ۷ مهر ۸۹ نظر خامنه ای را مثبت ارزیابی کرده بود.

خامنه ای روز دوشنبه ۱۹ مهر وقف دانشگاه آزاد را «دارای اشکالات اساسی فقهی و حقوقی» دانست و مشروعیت وقف و صلاحیت هیات موسس در انشا وقف را مردود اعلام کرد.

قبلا حسین شریعتمداری در کیهان ۳ خرداد ضمن مردود بودن این وقف نوشته بود که «اگر خیلی اهل اقدام خیرخواهانه وقف هستند، چرا اموال شخصی خود را وقف نمی کنند؟»

شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست احمدی نژاد در صدد دست اندازی کامل بر مالکیت دانشگاه آزاد و تغییرات اساسی به نفع خود در هیات امانا و مدیریت این دانشگاه است.

با توجه به این که نهادهای عمومی از اموال ولی فقیه محسوب می شوند، خامنه ای در بیانیه خودش به طور غیر مستقیم این نهاد را در مالکیت خودش در چشم انداز قرار داد زیرا اعلام کرد این نهاد نه خصوصی است و نه دولتی.

رفسنجانی برای پیشگیری از افتادن مالکیت این نهاد قدرتمند اقتصادی به دست دولت، وقف آن را شرعی اعلام کرد. وی در اطلاعیه اش در ۷ مهر، در شرعی بودن این امر حتا پای خدا را به میان کشید و گفت ۴

به موازات به بند کشیدن وکلا، دستگاه امنیتی - قضایی از طریق احضارهای بی دلیل، تهدید، ایجاد مزاحمت و حتی گروگان گیری اعضای خانواده، فشار بر مشاوران حقوق زندانیان را افزایش داده است.
باند نظامی - امنیتی ولی فقیه در تقالای هیستریک برای روفته نشدن توسط امواج اعتراضی جامعه و ایجاد مجرای تنفس، آخرین زینتهای دستگاه بیدادگری قضایی خود را به تدریج کنار می گذارد. ایجاد مانع برای کار و زندگی وکلای مستقل و حذف آنها به وسیله زندان و تبعید، تکمیل کننده رویه های معمول دیگری همچون دادرسی ناعادلانه، دادگاه های غیر علنی و قضات جانبدار یا اجیر شده است.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حضر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد
بهای اشتراک سالانه

فرانسه	۲۰ یورو
اروپا معادل	۲۴ یورو
آمریکا و کانادا	۳۶ یورو
استرالیا	۴۰ یورو
تک شماره	۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز ایران و جهان،

تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

بخش شنبرداری (راديو پیشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 304 23 oct. 2010 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

شهادت فدايي آبان ماه

رفقای فدايي:

رفقای فدايي: سيروس سپهری -
شاهرخ هدايي - فرهاد سپهری
- محمدرضا چمنی - علی
ديبري فرد - رحيم خدادادي -
عثمان کريمی - هادی اشکانی
- لقمان مدائن - محمد
سلیمانی (اصغر) - محمد داوود
نوری - عبدالرضا ماهيگیر -
مريم دژآگاه - مهران محمدی -
مجيد شريفی - همایون - حجت
- عزت الله پهرامی (موسی) -
جمشيد دژآگاه - مهين
جهانگیری - محمد قلی
جهانگیری - عزيز پور احمدی -
علی رضا شفيعی - علی بهروزی -
محمد قادری - حسين رکنی -
احمد پيل افکن - احمد گراوند -
علی اصغر ذاکری - سلیمان
سلیمانی - فرج الله نیک نژاد -
مرتضی فخر طباطبائی - عبدالله
فيض الله بیگی - عمر صالحی
- حسين مدير شانه چی - محمد
حسين خادمی از سال ۵۰ تا
کنون در آبان ماه در پیکار علیه
امپریالیسم و ارتجاع و برای
دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم
توسط مزدوران رژیمهای شاه و
خمينی به شهادت رسیدند.

پس از ۸۶ سال عمر پر بار و
افتخارآمیز ما را ترک کرد.
سازمان چریکهای فدايي خلق
ایران درگذشت بانو مرضیه را به
خانواده این هنرمند مقاوم و
محبوب، به مردم ایران، به
نیروهای مقاومت ایران و به
جامعه هنرمندان ایران تسلیت
می گوید.

سازمان چریکهای فدايي خلق
ایران
چهارشنبه ۲۱ مهر ۱۳۸۹ (۱۳)
اکتبر ۲۰۱۰)

اطلاعيه سازمان

چریکهای فدايي

خلق ایران :

در سوگ درگذشت

ستاره درخشان هنر

ایران، بانو مرضیه

با تأسف و تأثر بسیار امروز چهارشنبه ۲۱
مهر خانم مرضیه (اشرف السادات
مرتضایی)، بانوی هنر و آواز ایران
درگذشت.

بانو مرضیه از سال ۱۳۲۲ در عرصه هنر و
موسیقی ایران نقش برجسته و تأثیر گذاری
داشت. صدای دلنشین و جذاب او در برنامه
گلهای برای مردم ایران همراه با خاطرات
زیادی است. خانم مرضیه یک زن شجاع،
مقاوم، مهربان و محبوب بود و آواز او
صدای مردم محروم ایران و زنان رنج دیده
میهن ما بود. او سرشار از اندیشه انسان
دوستی و عشق به انسانها بود. بدون تردید
یاد و خاطره خانم مرضیه به عنوان ستاره
درخشان هنر ایران برای همیشه در تاریخ
باقی خواهد ماند.

بانو مرضیه در سال ۱۳۷۳ در یک انتخاب
شجاعانه و آگاهانه به جنبش مقاومت
ایران پیوست. این انتخاب پرهزینه و
عضویت در شورای ملی مقاومت ایران
برای خانم مرضیه سبب تشدید کینه و
دشمنی رژیم ایران نسبت به وی شد. اما
مرضیه با شجاعت وصف ناپذیر در مقابل
همه توطئه های ضد انسانی، ضد فرهنگی
و ضد هنری رژیم ولایت فقیه ایستادگی
کرد.

در اسفند ماه سال گذشته با درگذشت دختر
خانم مرضیه بیماری سرطان او تشدید شد.
فقدان هنگامه برای خانم مرضیه بسیار
دردناک بود و سرانجام امروز این بانوی
هنر و این رزمنده جنبش مقاومت ایران،

تسلیمات ساخت چین است. رسولی می
گوید مواد منفجره برای یک شرکت
خصوصی در افغانستان حمل شده بود.
این درحالی است که رابرت گیتس،
وزیر دفاع آمریکا در ماه مارس گذشته
گفته بود: "در این مقطع به نظرم
تلاشهای آنها (رژیم ایران) مشکل
عمده ای برای ما درست نمی کند.
میزان حمایت آنها از طالبان تا کنون و
تا جایی که ما می توانیم بگوییم، کاملاً
محدود بوده است."

در حالی که رژیم ولایت فقیه هرگونه
کمک به طالبان را رد می کند، بارها
محموله های نظامی ارسالی آنان برای
طالبان کشف شده که هرگز مسوولیت
ارسال آن را نپذیرفته است.

برخورد چندگانه مقامهای آمریکایی با
بحران آفرینی و صدور تروریسم رژیم
ولایت فقیه در منطقه و سعی در
لاپوشانی اعمال آن در اظهار نظرهای
متناقض آنها کاملن آشکار است. رادیو
صدای آمریکا مواد منفجره جاسازی
شده در کانتینر را ساخت چین و شرکت
خصوصی دریافت کننده را "احتمال
آمریکایی" قلمداد می کند، در حالی که
مقامهای پلیس افغانستان می گویند
عامل اصلی قاچاق این مواد متواری
شده است. این چه کالای ارسالی برای
شرکت خصوصی است که صاحب آن
متواری می شود؟

رییس پلیس ایالت نیمرز هم یکی را
دستگیر و یکی را فراری اعلام می کند
تا راه برای هرگونه توجیهی در آینده باز
باشد.

همزمان، منابع خبری از داخل کشور
هیچ اظهار نظری از سوی مقامهای
رسمی در این مورد را گزارش نکرده اند.
سکوت مقامات رژیم ولایت در مورد
برملا شدن ارسال مواد منفجره برای
طالبان خود می تواند معنا دار باشد.

تا کی باید شاهد رفتار چندگانه با بحران
آفرینی رژیم ولایت در منطقه و صدور
تروریسم برای قتل و کشتار بود؟
آیا با این همه مدارک و شواهد مستدل،
بازهم سعی به لاپوشانی این اعمال
خواهد شد و یا صادر کنندگان مواد
مرگ آفرین و حامیان طالبان،
پاسخگوی رفتار خود خواهند شد؟

توقیف کمک نظامی

رژیم به طالبان و

سکوت معنا دار آنها

جعفر بویه

فراسوی خبر ... آدینه ۱۶ مهر
کشف بیش از ۱۹ تن مواد منفجره در
گمرک ولایت نیمرز افغانستان که از
ایران به صورت قاچاق وارد آن کشور
شده بود، تیترا خبرگزاریها در این
روزهاست. پلیس افغانستان می گوید
موفق به کشف ۱۹ تن مواد منفجره ای
شده است که در یک کانتینر جاسازی
شده بود. به گزارش خبرگزاریها، این مواد
در جعبه هایی با برچسب مواد غذایی،
اسباب بازی و وسایل آشپزخانه از ایران
وارد افغانستان شده است.

رژیم ولایت فقیه تحت نام کالای
تجاری، مواد منفجره ای به افغانستان
ارسال می کند که به گفته کارشناسان
برای استفاده در بمبهای کنار جاده ای
به کار گرفته می شوند. محمد موسا
رسولی، معاون پلیس ولایت نیمرز
افغانستان می گوید: "ما این مواد را در
حالی که در یک کانتینر ۱۲ متری پنهان
شده بود، پیدا کردیم. محموله از ایران
می آمد. این مواد منفجره به عنوان
کالاهایی مثل مواد غذایی، اسباب بازی
و وسایل آشپزخانه برچسب خورده بود."
بنا بر گزارش شبکه خبری "سی ان
ان"، محموله مزبور در ۲۳۷ جعبه در
کانتینری که از مرز ایران وارد شده،
جاسازی شده بود. کشف محموله بر
اساس اطلاعات یک منبع ایرانی تبار که
برای پلیس افغانستان کار می کرده
صورت گرفته است.

همچنین رییس پلیس امنیت نیمرز می
گوید: "در رابطه با انتقال مواد منفجره
یک نفر دستگیر شده اما یک بازرگان
افغانی که گمان می رود عامل اصلی
باشد، موفق به فرار شده است."

همزمان، رادیو صدای آمریکا در گزارشی
می نویسد: "مقامات گمرک در ایالت
نیمرز مواد منفجره را روز سه شنبه در
محموله ای که از ایران رسیده بود کشف
کردند. با این حال، آنها می گویند
علامتهای روی جعبه ها نشان می دهد،

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم